



مرکز تحقیقات اسلامی

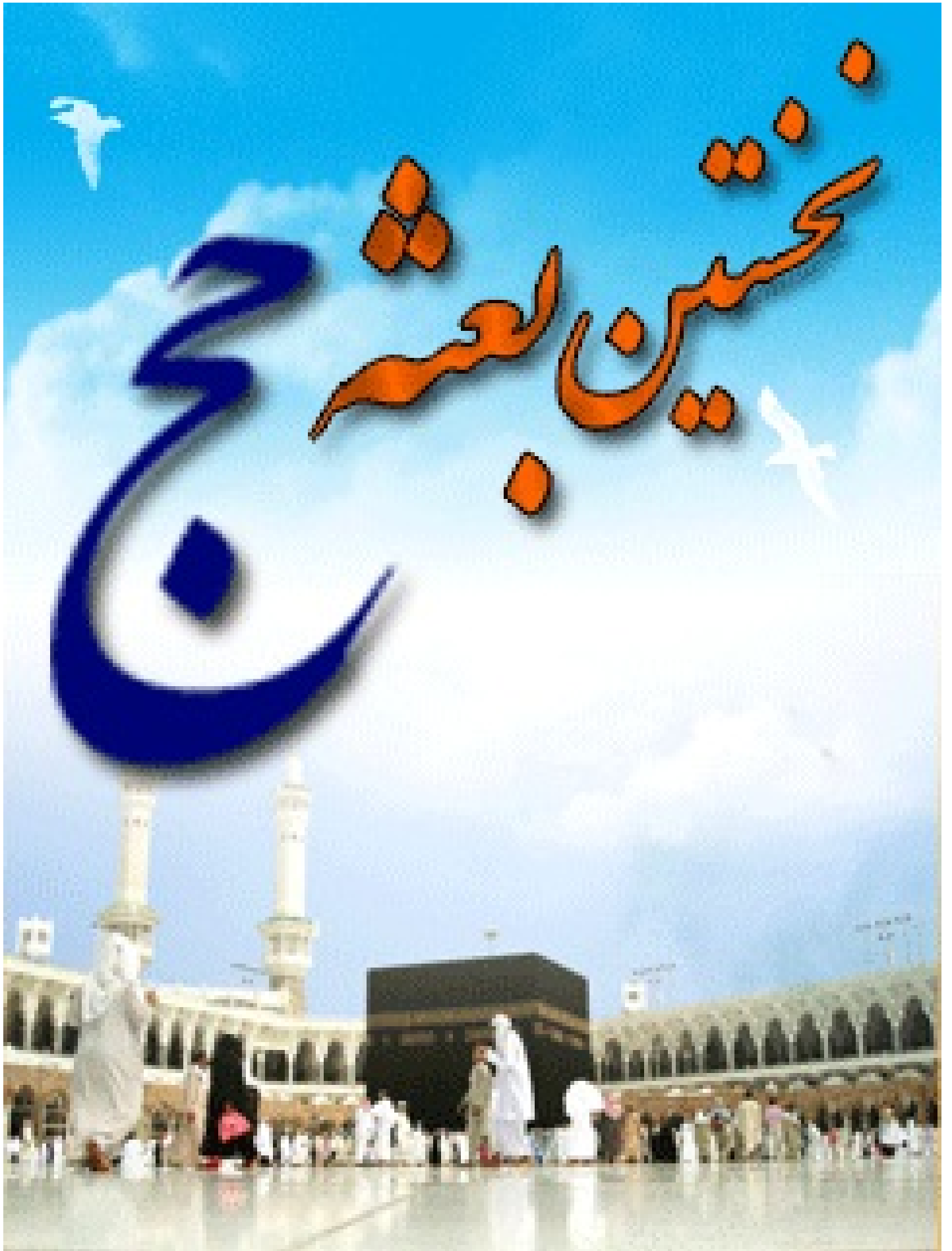
اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نخستین بعثه حج

نویسنده:

محمود حسینی شاهرودی

ناشر چاپی:

بیت معظم له

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	نخستین بعثه حج
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۹	عمره تمتع
۹	اشاره
۹	۱ احرام
۹	توضیح
۱۲	واجبات احرام
۱۳	چیزهائیکه در حال احرام حرام است
۲۳	مستحبات احرام عمره
۲۴	مکروهات احرام عمره
۲۴	مستحبات داخل شدن به حرم و به مکه و به مسجدالحرام
۲۵	۲ طواف
۲۵	اشاره
۲۶	شرایط طواف
۲۹	واجبات طواف
۳۲	مستحبات طواف
۳۳	۳ نماز طواف
۳۳	توضیح
۳۴	مستحبات نماز طواف
۳۴	۴ سعی
۳۴	اشاره
۳۶	مستحبات سعی بین صفا و مروه

۳۸	۵ تقصیر
۳۹	حج تمتع
۳۹	اشاره
۴۰	( ۱ ) احرام
۴۲	( ۲ ) وقوف در عرفات
۴۶	( ۳ ) وقوف در مشعر الحرام
۴۹	واجبات منی
۴۹	اشاره
۴۹	۱ رمی
۵۱	۲ قربانی
۵۴	۳ حلق و تقصیر
۵۷	ماندن در منی
۵۷	در شب یازدهم و دوازدهم و سیزدهم
۵۸	رمی سه جمره
۶۰	مستحبات طواف زیارت
۶۱	طواف وداع و سایر مستحبات
۶۳	ملحقات
۶۴	بقیه أعمال عرفه
۶۴	قسمت اول
۶۴	اشاره
۷۲	قسمت دوم
۸۱	قسمت سوم
۹۱	قسمت چهارم
۹۵	پی نوشت ها
۹۶	درباره مرکز

عنوان و نام پدیدآور: نخستین بعثه حج/سید محمود حسینی شاهرودی.

مشخصات نشر: تهران: بیت معظم له، ۱۳۴۷.

مشخصات ظاهری: ۵۹۸ص. :مصور، عکس.

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان دیگر: گزارش حج سال ۱۳۸۷.ق.

موضوع: بعثه مرجع فقید شیعیان حضرت آیت الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی

موضوع: حج

موضوع: حج -- بعثه

رده بندی کنگره: BP۳/ب۶ب۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۰۶

## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنه الله على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين

هر مکلفی که مستطیع باشد یعنی شرایط واجب بودن حج را دارا باشد، باید در تمام عمر یک مرتبه حج کند یعنی مکه برود، و اعمالی را که دستور داده اند بجا آورد، و این عمل را حَجَّةُ الاسلام میگویند، و انسان باید پیش از شروع به حج اعمال آنرا اجمالاً بداند، و کسی که نمیداند اگر در موقع احرام نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم حج واجب خود را بجا می آورم که بعد از مشغول شدن بعمل هر چه لازم است انجام دهم، مثل آنکه قصد کند مطابق رساله ای که دارد یا بفرموده مجتهد یا عالمی که همراه او است عمل را تمام کند، عمل او صحیح است.

بعثه مرجع فقید شیعیان حضرت آیت الله العظمی سید محمود حسینی شاهرودی نخستین هیئت دینی است که از جانب مراجع تقلید شیعه به مراسم حج اعزام می شوند. این بعثه برای اولین بار ذی الحجه ۱۳۸۷ قمری شمسی به حج اعزام گردید که در

مطبوعات ۱۳۴۷ نیز منعکس گردید ، و این گام بزرگ در جهت تثبیت اقتدار مرجعیت شیعیان برداشته



شد.

## عمره تمتع

### اشاره

کسی که وظیفه او حج تمتع است ، باید پیش از حج عمره تمتع بجا آورد و اعمال آن پنج چیز است :

اوّل : احرام .

دوّم : طواف خانه کعبه .

سوّم : دو رکعت نماز طواف .

چهارم : سعی بین صفا و مروه .

پنجم : تقصیر ، واحکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد .

### احرام

#### توضیح

(مسأله ۱) کسانی که میخواهند حج کنند وقتی بمیقات رسیدند ، باید محرم شوند و میقاتها پنج است :

اول : جحفه و آن میقات کسانی است که از راه شام بمکه میروند .

دوم : مسجد شجره و آن میقات کسانی است که از راه مدینه منوره بمکه میروند ، و اگر در آنجا ممکن نشود ، می توانند در جحفه محرم شوند .

سوم : وادی عقیق و آن میقات کسانی است که از راه نجد و عراق بمکه میروند و قسمت اوّل این وادی را مسلخ میگویند ، و قسمت دوّم آنرا عمره و قسمت سوّمش را ذات عرق می نامند ، و چنانچه یقین کند که بوادی عقیق رسیده ، بهتر است در قسمت اول آن - یعنی در مسلخ - محرم شود و اگر یقین نکند بنابر احتیاط واجب ، باید احرام را تأخیر بیندازد تا یقین کند که بوادی عقیق رسیده ، و بعد از آنکه یقین کرد پیش از رسیدن به قسمت سوم وادی محرم شود .

چهارم : قرن المنازل و آن میقات کسانی است که راه آنها از طائف است .

پنجم : یلملم و آن میقات کسانی است که از راه یمن به مکه میروند .

(مسأله ۲) اگر منزل کسی که از بعض میقاتهایی که در مسأله پیش گفته شد به مکه نزدیکتر باشد ، میقاتش منزل او است .

(مسأله ۳) اگر از راهی برود که

از هیچ یک از پنج میقات نگذرد، وقتی مقابل یکی از آنها رسید، باید محرم شود، پس کسانی که از راه مدینه منوره بمکه میروند و از مسجد شجره نمی گذرند، اگر ممکن است مقابل مسجد محرم شوند.

(مسأله ۴) کسی که نمی تواند یقین کند که مقابل یکی از پنج میقات رسیده، اگر از گفته کسانی که اطلاع دارند، اطمینان پیدا کند که مقابل یکی از آنها رسیده میتواند محرم شود.

(مسأله ۵) اگر نذر کند پیش از رسیدن به میقات در محل معینی محرم شود و برای عمل کردن به نذر در همانجا محرم شود کافی است.

(مسأله ۶) کسی که با هواپیما به مکه می رود و در جده فرود می آید و نخواهد به مدینه رود میتواند از جده قدیم محرم شود، ولی احتیاطاً احرام بستن از جده را هم نذر کند که چنانچه نذر نماید دیگر در وقت رسیدن به مقابل جده و جائیکه علم های حرم نمایان می شود حاجت به تجدید احرام نداشته باشد.

(مسأله ۷) جنب و زنیکه در حال حیض یا نفاس است میتواند محرم شود، اما اگر بخواهد از مسجد شجره یا مسجد جحفه محرم شود باید بیرون مسجد طوری بایستد که شانه اش مقابل مسجد باشد، سپس محرم شود.

(مسأله ۸) اگر بواسطه فراموشی یا عذر دیگری در میقات محرم نشود بعد از آنکه یادش آمد یا عذرش برطرف شد، باید بمیقات برگردد و محرم شود، و اگر نتواند برگردد چنانچه داخل حرم شده بایستی از حرم خارج شود و احرام ببندد و در خصوص شخص جاهلی که متوجه به جهل خود بوده و مع ذلک در میقات احرام نبسته و داخل حرم شده و ممکن نیست که بمیقات

برگردد احوط وجوبی آنستکه به هر مقداری که میتواند از حرم دور شود و احرام بنهد ، ولی چنانچه داخل حرم نشده باشد یانتواند از حرم خارج شود در هر جا که یادش آمد یا عذر او برطرف شد می تواند محرم شود .

(مسأله ۹) اگر از روی فراموشی یاندانستن مسأله محرم نشود وبعد از تمام شدن اعمال عمره یادش بیاید ، عمره او صحیح است .

## واجبات احرام

واجبات احرام سه چیز است :

اول : پوشیدن لباس احرام .

دوم : نیت .

سوم : لبیک گفتن بتفصیلی که بعداً بیان می شود .

۱ پوشیدن لباس احرام

(مسأله ۱۰) پیش از نیت احرام ، انسان باید لباس احرام بپوشد ، یعنی پارچه ایکه از ناف تا زانو را بپوشاند بخود ببندد، و پارچه دیگری که شانه ها را بپوشاند بردوش ببندازد .

(مسأله ۱۱) پارچه ایکه از ناف تا زانو را میپوشاند باید بقدری ضخیم باشد که پوست بدن از زیر آن دیده نشود بلکه بنابر احتیاط واجب باید پارچه ای هم که روی دوش می اندازد همینطور باشد .

(مسأله ۱۲) لباس احرام ، باید طوری باشد که نماز خواندن با آن صحیح باشد ، پس محرم شدن بالباس نجس و ابریشم خالص ولباسی که از اجزاء حیوان حرام گوشت تهیه شده صحیح نیست .

(مسأله ۱۳) اگر نجاستی مثل خون زخم و جراحت و دمل که نماز خواندن با آنها صحیح است ، در لباس احرام باشد ، اشکال ندارد .

(مسأله ۱۴) کسی که محرم شده ، اگر لباس او نجس شود بنابر احتیاط واجب ، باید آن را آب بکشد یا عوض نماید ولی اگر بدن او نجس شود ، لازم نیست فوراً آن را بشوید، اگر چه

احتیاط مستحب آنست که آنرا هم فوراً آب بکشد .

(مسأله ۱۵) لباس احرام زن هم نباید ابریشم خالص باشد و احتیاط آنست که لباس های دیگر او هم ابریشم خالص نباشد .

(مسأله ۱۶) بنا بر احتیاط واجب باید لباس احرام بافته باشد و از پوست یا چیزی مثل نمد نباشد .

۲ نیت

بعد از پوشیدن لباس احرام باید برای انجام فرمان خداوند عالم ، بر خود قرارداد که بجهت توجه به مکه و بجا آوردن اعمال عمره و حج، کارهایی را که در عمره تمتع بر او حرام است ( وبعداً گفته میشود ) ترک نماید .

۳ لبیک گفتن

(مسأله ۱۷) بعد از نیت باید بگوید :

« لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لِشَرِيكَ لَكَ »

و احتیاط مستحب آنست که بعد از « لا شریک لک » یک مرتبه دیگر « لبیک » بگوید .

(مسأله ۱۸) کسی که لبیک گفتن را نمیداند باید یاد بگیرد یا بکمک دیگری بخواند و چنانچه ممکن نباشد ، باید بهر طوریکه می تواند بخواند و ترجمه آن را به فارسی یا به زبان دیگر بگوید و دیگری را هم نائب بگیرد که از طرف او بطور صحیح بخواند .

### چیزهاییکه در حال احرام حرام است

بیست و چهار چیز در حال احرام حرام است

اول : شکار کردن حیوان صحرائی وحشی و کمک کردن صیاد و نشان دادن شکار ، اگر چه با اشاره باشد و نیز خوردن گوشت شکار در حال احرام حرام میباشد ، اگر چه کسی که آن را شکار کرده محرم نباشد ، همچنین حرام است حیوانی را که دیگری شکار کرده است ، بکشد .

(مسأله ۱۹) اگر محرم صیدی را بکشد ، کفاره بر او واجب میشود ، و احکام آن در کتابهای مفصل گفته شده است .

دوم : از

چیزهاییکه بر محرم حرام است جماع کردن بازن و بوسیدن او و بازی کردن با او است و نیز نگاه کردن به زن از روی شهوت بلکه بردن هر لذتی از زن یا مرد حرام میباشد. ولذت بردن از مرد گذشته از اینکه پیش از احرام حرام بوده ، بواسطه احرام هم حرام میشود .

(مسأله ۲۰) اگر کسی در احرام عمره پیش از تمام شدن سعی عمداً بازن یا العیاذ بالله بامردی جماع کند چه عمره مفرده باشد چه تمتع ، عمره او فاسد است و باید یک شتر کفاره بدهد و چنانچه عمره مفرده بوده باید آن را تمام کند و بعداً آن را دوباره بجا آورد ، ولی اگر تمتع بود در صورتیکه وقت باقی است یعنی می تواند بعد از اتمام و اعاده وقوف عرفات را درک کند باید اتمام نموده و بعداً نیز اعاده نماید، و چنانچه وقت باقی نباشد حج تمتع او مبدل به افراد میشود، یعنی باید اول اعمال حج را بجا آورده و بعد از آن عمره مفرده انجام دهد و احتیاط واجب آنستکه در سال بعد هم عمره و حج را دوباره بیاورد ، و اما اگر بعد از تمام شدن سعی عمداً جماع نماید فقط یک شتر کفاره بر او واجب میشود اگر از مردم ثروتمند و بامکنت باشد، و یک گاو بر او واجب می شود اگر از طبقه متوسط باشد ، و یک گوسفند بر او واجب میشود اگر از مردم کم بضاعت و بیچاره باشد ، ولی در هر صورت عمره و حج او صحیح است .

(مسأله ۲۱) اگر در حال احرام حج تمتع یاقران یا افراد پیش از وقوف بمشعر عمداً جماع کند چه بازن باشد و چه بامرد در فرج باشد

یادر دبر یک شتر کفاره بر او واجب است و حیح او فاسد میشود ولی باید آنرا تمام کند و در سال بعد آن را دوباره بجا آورد و اگر بعد از وقوف به مشعر جماع کند حیح او صحیح است و فقط یک شتر کفاره لازم است ، اگر این عمل پیش از آوردن پنج دور از طواف نساء از او صادر شود ، و اما اگر صدور این عمل بعد از دور پنجم باشد کفاره لازم نیست اگر چه احتیاط مستحب آنستکه در اینصورت نیز یک شتر کفاره بدهد .

(مسأله ۲۲) اگر محرم زنی را ببوسد در صورتیکه از روی شهوت باشد یک شتر کفاره بر او واجب میشود و اگر از روی شهوت نباشد کفاره آن فقط یک گوسفند است اگر چه احتیاط مستحب آنست که نیز یک شتر کفاره دهد .

(مسأله ۲۳) اگر در حال احرام عمداً از روی شهوت بعیال خود نگاه کند و منی از او بیرون آید کفاره آن یک شتر است ولی اگر عمداً و از روی شهوت بغیر عیال خود نگاه کند و منی از او بیرون آید ، بنا بر احتیاط واجب بلکه اقوی کفاره آن یک شتر و اگر نتواند یک گاو و اگر آنرا هم نتواند یک گوسفند است .

(مسأله ۲۴) اگر محرم بازنی ملاعبه نماید چنانچه منی از وی بیرون آید کفاره آن یک شتر است ولی اگر منی بیرون نیاید کفاره اش یک گوسفند است .

سؤم : از چیزهاییکه بر محرم حرام می باشد آنست که زنی را برای خود یادگیری عقد کند ، اگر چه آن دیگری محرم نباشد و باید شاهد عقد هم نشود، و احتیاط واجب آنستکه زنی را خواستگاری هم نکند

ولی اگر زن خود را طلاق رجعی داده باشد ، می تواند به او رجوع نماید .

چهارم : از چیزهایی که بر محرم حرام می باشد آن است که استمناء کند یعنی کاری کند که منی از او بیرون آید .

پنجم : بوئیدن مشک و زعفران و کافور و عود و عنبر و مانند اینها و نیز خوردن و مالیدن آن بدن و پوشیدن لباسی که بوی خوش دارد و استعمال سایر چیزهای خوشبو بر محرم مکروه است .

(مسأله ۲۵) کسی که محرم است اگر محتاج به خوردن یا پوشیدن چیزی شود که بوی خوش دارد ، باید بینی خود را بگیرد و بنا بر احتیاط از بوئیدن چیزی که به آن خلوق می گویند و خانه کعبه را به آن خوشبو می کنند خودداری نماید .

(مسأله ۲۶) کفاره استعمال بوی خوش یک گوسفند است .

(مسأله ۲۷) احتیاط واجب آن است که محرم در وقت گذشتن از جایگاه عطر فروشان نگذارد که بوی عطر به بینی او برسد و احتیاط مستحب آن است که میوه های خوشبو مثل سیب و به راهم نبوید ، ولی خوردن آنها مانعی ندارد .

(مسأله ۲۸) گرفتن بینی از بوی بد برای محرم حرام است ولی اگر تند برود که بوی بد به بینی او نرسد اشکال ندارد .

ششم : پوشیدن چیز دوخته و چیزی که مثل دوخته است ، مانند کلاه نمد. و اگر ناچار شود که چیز دوخته ای را بپوشد کفاره آن یک گوسفند است .

(مسأله ۲۹) احتیاط واجب آنست که چیز دوخته کوچک را هم نپوشد ولی اگر همیان پول را به کمر ببندد یا از روی ناچاری فتق بند ببندد اشکال ندارد ، ولی برای بستن فتق بند احتیاطاً یک گوسفند کفاره



بدهد .

(مسأله ۳۰) احتیاط واجب آن است که لباس احرام خصوصاً پارچه ای را که بدوش می اندازد گره نزند و باچوب یا سوزن بهم متصل نکند و به آن تکه ندوزد .

(مسأله ۳۱) زنها می توانند لباس دوخته بپوشند ولی باید از پوشیدن قفازین خودداری کنند و قفازین چیزی است که زندهای عرب می دوختند و برای جلوگیری از سرما در دست میکردند .

هفتم : از چیزهاییکه بر محرم حرام می باشد آن است که با قصد زینت کردن به چیزهایی که اسباب زینت است سر مه بکشد ، بلکه بنا بر احتیاط واجب باید با قصد زینت به چیزی هم که سیاه نیست سر مه نکشد و نیز به چیزهاییکه اسباب زینت است ، بدون قصد زینت هم سر مه نکشد .

هشتم : نگاه کردن در آئینه . ولی زدن عینک اگر زینت نباشد و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد .

نهم : پوشیدن چیزی که تمام روی پا را بپوشاند، مانند کفش و چکمه و جوراب ، و احتیاط مستحب آنستکه از پوشیدن چیزی هم که مقداری از روی پارا می پوشاند خودداری نماید ، ولی بند نعلین اگر چه مقداری از روی پا را می گیرد اشکال ندارد .

(مسأله ۳۲) اگر محرم به پوشیدن چیزی که تمام روی پارا می پوشاند بواسطه نداشتن نعلین محتاج شود بنا بر احتیاط واجب باید روی آن را بشکافد و بعد بپوشد .

دهم : دروغ گفتن و فحش دادن است و نیز اگر عیب هائی را از خود دور کند و به دیگری نسبت دهد یا صفات خوبی را برای خود ثابت کند و از دیگری سلب نماید، حرام میباشد .

یازدهم : قسم خوردن است، به این صورت که بگوید لا والله یا بگوید بلی والله و احتیاط واجب

آنست که بغیر این دو لفظ هم قسم نخورد ، ولی در مقام ناچاری که بخواهد حقی را ثابت کند یا باطلی را از بین ببرد، قسم خوردن اشکال ندارد .

(مسأله ۳۳) برای قسم دروغ بنا بر مشهور در دفعه اول یک گوسفند و در دفعه دوم یک گاو ، و در دفعه سوم یک شتر کفاره بر انسان واجب است ، اگر چه اغلب اخبار دلالت می نماید که در دروغ سوم هم گاو است ، و برای قسم راست در دفعه اول و دوم باید استغفار کند و در دفعه سوم یک گوسفند بر او واجب می شود .

دوازدهم : کشتن شپش و کنه و مانند اینها چه در بدن باشد و چه در لباس ، بلکه احتیاط واجب آن است که آنها را از جای خودشان بجای دیگر نگذارد ولی این در صورتی است که در جای اول محفوظ تر باشد و گرنه عوض کردن جای آنها مانعی ندارد .

سیزدهم : آنکه بقصد زینت کردن انگشتری در دست کند و اما اگر بقصد ثواب باشد مانعی ندارد ، و نیز اگر به قصد زینت یابدون قصد زینت در حال احرام حنا ببندد یا پیش از احرام به قصد زینت حنا ببندد و اثر آن تا وقت احرام بماند حرام است .

چهاردهم : آنکه زن با زیوری خود را زینت کند، ولی اگر چیزهاییکه پیش از احرام با آنها زینت می کرده همراهش باشد و برای احرام بیرون نیاورد ، اشکال ندارد اما باید برای شوهر خود و مردهای دیگر نمایان نکند .

پانزدهم : مالیدن روغن به بدن اگر چه خوشبو نباشد و نیز اگر روغنی را که بوی خوش دارد پیش از احرام بمالد چنانچه اثر آن تا وقت احرام بماند

حرام است ولی اگر ناچار باشد در حال احرام می تواند روغن به بدن بمالد .

شانزدهم : بر طرف کردن مو از بدن خود یا از بدن دیگری ، اگر چه آنکس در حال احرام نباشد و اگر یک مو را هم برطرف نماید حرام است ولی اگر ناچار باشد که مثلاً برای درد سر مو را برطرف کند ، یا موئیکه چشم را اذیت می کند برطرف نماید ، اشکال ندارد ، و همچنین است اگر در وقت وضوء و غسل بدون قصد کننده شود .

(مسأله ۳۴) اگر در حال احرام سرش را بتراند یا موی زیر بغل یا موی یکی از آنها را برطرف کند اگر چه از روی ناچاری هم باشد یک گوسفند کفاره براو واجب می شود ولی به جای گوسفند می تواند سه روز روزه بگیرد یا دوازده مد که تقریباً ده چارک است گندم یا جو و مانند اینها به شش فقیر بدهد .

(مسأله ۳۵) اگر به سر یا ریش خود دست بکشد و یک مو یا دو موی آنها بیفتد ، باید دو مشت گندم یا جو و مانند اینها صدقه بدهد .

هفدهم : آنکه مرد سر خود را بپوشاند و احتیاط واجب آنست که گل و حنا بسر نمالد و چیزی هم بر سر نگذارد بلکه احتیاط مستحب آن است که باجای دیگر بدن مثلاً بادرست سر را نپوشاند .

(مسأله ۳۶) اگر مرد سر خود را بپوشاند ، کفاره آن یک گوسفند است ، و اگر چند مرتبه سر را بپوشاند در صورتیکه مجلس پوشانیدن سر متعدد باشد و عذری هم نداشته باشد بنا بر احتیاط مستحب برای هر دفعه یک گوسفند بدهد .

(مسأله ۳۷) پوشانیدن مقداری از سر هم بر مرد

حرام است ولی اگر بواسطه دستمالی که برای سر درد می بندند یا بواسطه بند مشک آب که معمولاً آن را بر سر می اندازند مقداری از سر را بپوشاند اشکال ندارد .

(مسأله ۳۸) پوشاندن گوش بر مرد حرام است ولی پوشاندن صورت برای او اشکال ندارد .

(مسأله ۳۹) انسان در حال احرام نمی تواند سر را در آب یا چیز روان دیگری فرو برد .

هیجدهم : آنکه زن صورت خود را به نقاب یا چیز دیگری بپوشاند و پوشانیدن مقداری از صورت هم برای زن جائز نیست .

(مسأله ۴۰) اگر زن موقع نماز برای آنکه یقین کند که سر و گردن او پوشیده شده است ، مقداری از اطراف صورت را بپوشاند اشکال ندارد ، ولی بعد از نماز باید فوراً آن مقدار را باز کند .

(مسأله ۴۱) زن می تواند برای رو گرفتن از نامحرم مقداری از چادر یا چیز دیگری را که بر سر انداخته ، تا روی بینی بیاورد ولی اگر روی چانه و بیشتر بیاورد واجب است که آن را با دست یا باچوب از صورت دور نگهدارد و اگر دور نگاه ندارد یک گوسفند کفاره بر او واجب می شود .

نوزدهم : آنکه مرد محرم در حال راه پیمودن موقعیکه سوار است سایه بالای سر خود قرار دهد مثلاً در اتومبیل بنشیند ، یا چتر بر سر بگیرد ، ولی برای زن و بچه اشکال ندارد .

(مسأله ۴۲) احتیاط واجب آنست که مرد محرم در حال راه پیمودن اگر پیاده هم باشد سایه بالای سر خود قرار ندهد بلکه اگر چتر و مانند آن بالای سر او هم نیست طوری نکند که سایه آنها بر سر او بیفتد ولی راه

رفتن در سایه اتومبیل و مانند آن اشکال ندارد اگر چه احتیاط مستحب آنستکه آنرا نیز ترک نماید .

(مسأله ۴۳) احتیاط واجب آنستکه در شب و در هوای ابر هم زیر سایبان نرود .

(مسأله ۴۴) مرد محرم اگر موقعی که منزل می کند زیر طاق و مانند آن برود اشکال ندارد ، اگر چه در موقعی باشد که برای کارهای خود رفت و آمد می کند ولی احتیاط مستحب آنست موقعی که در منزل رفت و آمد می کند چتر و مانند آن بر سر نگیرد .

(مسأله ۴۵) اگر مرد محرم برای مرض یا شدت سرما یا گرما یا باران ناچار شود که در حال راه پیمودن زیر سایه باشد معصیت نکرده ، اما یک گوسفند کفاره بر او واجب می شود و اگر در احرام عمره هم چند مرتبه زیر سایه برود، یک گوسفند کافی است لکن احتیاط مستحب آنستکه از برای هر روزی اگر ممکن باشد یک گوسفند کفاره بدهد ولی اگر در احرام حج هم یک مرتبه یا چند مرتبه زیر سایه برود ، برای آن هم یک گوسفند کفاره واجب می شود .

بیستم : آنکه از بدن خود خون بیرون آورد و نیز خراشیدن بدن و مسواک کردن، چنانچه بداند که بواسطه اینها خون بیرون می آید حرام می باشد و بنا بر احتیاط کفاره آن یک گوسفند است .

(مسأله ۴۶) اگر از بدن کس دیگر خون بیرون آورد مثل آنکه او را رگ بزند اشکال ندارد و همچنین است اگر از روی ناچاری از بدن خودش خون بیرون آورد .

بیست و یکم : ناخن گرفتن است ، اگر چه کمی از آنرا بگیرد ولی اگر مقداری از ناخن او افتاده و باقیمانده آن اذیت می

کند ، گرفتن آن اشکال ندارد اما باید یک مد که تقریباً یک چارک ( ده سیر ) است طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد .

(مسأله ۴۷) اگر در حال احرام تمام یک ناخن را بگیرد باید یک مد طعام بفقیر بدهد و چنانچه همه ناخن های دست و پا را در یک مجلس بگیرد كفاره آن يك گوسفند است و اگر در يك مجلس ناخن دست ها و در مجلس ديگر ناخن پاها را بگیرد دو گوسفند كفاره لازم می شود .

بیست و دوم : کندن دندان است ، اگر خون بیاید . و بنا بر احتیاط واجب كفاره آن يك گوسفند است ولی اگر خون بیرون نیاید حرام نیست اگر چه احتیاط مستحب ترک آن است .

بیست و سوم : کندن درخت و گیاهی است که در حرم روئیده باشد ، ولی کندن گیاهی که خود محرم آنرا کاشته یا در ملک او روئیده اشکال ندارد و نیز کندن گیاهی که در منزلش روئیده ، اگر بعد از آنکه در آنجا منزل کرده روئیده باشد و کندن اذخر که گیاه معروفی است و کندن درخت میوه و درخت خرما مانعی ندارد .

(مسأله ۴۸) اگر در حال احرام گیاهی را بکند ، باید استغفار کند و اگر مقداری از يك درخت را بکند باید باندازه قیمت آن به فقیر بدهد و اگر درختی را بکند چنانچه بزرگ باشد كفاره آن يك گاو و اگر کوچک باشد كفاره آن يك گوسفند است .

(مسأله ۴۹) کسی که محرم است نباید برای شتر خود علف بکند ولی اگر شتر را رها کند که علف بخورد اشکال ندارد .

(مسأله ۵۰) کندن درخت یا گیاه حرم برای کسی هم که محرم نیست حرام

میباشد.

(مسأله ۵۱) اگر انسان بطور معمول راه برود و بواسطه راه رفتن او مقداری از گیاه حرم کنده شود اشکال ندارد .

بیست و چهارم : آنکه شمشیر یا چیز دیگری را که آلت جنگ است بخود ببندد ولی اگر ناچار باشد اشکال ندارد .

(مسأله ۵۲) احتیاط واجب آنست که آلت جنگ را در صورتیکه نمایان باشد همراه بر ندارد اگر چه بخود نبسته باشد.

## مستحبات احرام عمره

۱ پیش از احرام بدن را پاکیزه کند و ناخن و موی شارب را بگیرد و موی زیر بغل و جاهای دیگر بدن را با نوره بر طرف نماید .

۲ برای احرام غسل کند و کسی که می ترسد که در میقات آب پیدا نکند پیش از رسیدن به میقات غسل نماید و چنانچه در میقات آب پیدا کرد دوباره غسل کند .

۳ در موقع غسل دعا بخواند .

۴ در موقع پوشیدن لباس احرام بگوید :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي وَأُوَدِّي فِيهِ فَرْضِي وَأَعْتِدُ فِيهِ رَبِّي وَأَنْتَهِيَ فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُه فَبَلَّغَنِي وَأَرَدْتُه فَأَعَانَنِي وَقَبَّلَنِي وَلَعَمْرٍ يَقْطَعُ بِي وَوَجْهِيهِ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذُخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي .

۵ احرام را بعد از نماز ظهر بجا آورد و اگر در آن وقت محرم نشود بعد از نماز واجب دیگر، و اگر نخواهد که بعد از نمازهای واجب یومیه محرم شود نماز قضائی بخواند و بعد از آن احرام را انجام دهد و چنانچه نماز قضا ندارد شش رکعت نماز مستحبی هر دو رکعت را به یک سلام بخواند یا اقلاً دو رکعت نماز مستحبی بخواند بعد محرم شود و در رکعت اول این نمازهای مستحبی بعد از

حمد ، سوره قل هو الله احد ودر رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخواند .

۶ نیت احرام را بزبان بیاورد ودر موقع نیت حمد وثنای الهی نماید وبر محمد و آل محمد صلوات بفرستد ودعا بخواند که در کتب مفصله ثبت است .

۷ بعد از گفتن لیکهای واجب که در صفحه ۱۴ گفته شد بگوید :

لَبَّيْكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَبَّيْكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ غَفَّارُ الذُّنُوبِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ أَهْلُ التَّلْبِيهِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تُبْدِيءُ وَالْمَعَادُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ تَسْتَعْنِي وَنَفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ مَرْغُوبًا وَمَرْهُوبًا إِلَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ اللَّهُ الْحَقُّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ ذَا النِّعَمَاءِ وَالْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ كَشَافُ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ عَبْدُكَ - وَابْنُ عَبْدَيْكَ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ يَا كَرِيمُ لَبَّيْكَ .

۸ لیکها را زیاد و اگر مرد است بلند بگوید .

۹ موقع بیدار شدن از خواب وهنگام سحر وبعد از نمازهای واجب ومستحب وموقع سوار شدن وپیاده شدن وموقعی که به بلندی بالا می رود یا از بلندی بزیر می آید بسیار لیک بگوید ولی بعد از دیدن خانه های مکه باید لیک نگوید .

### مکروهات احرام عمره

چند چیز در حال احرام مکروه است واز آن جمله است :

۱ احرام در لباس سیاه ولباس چرک ولی اگر در حال احرام چرک شده باشد بهتر است که تاوقتی از حرم بیرون نیامده آن را نشوید .

۲ خوابیدن در رختخواب سیاه وبر بالش سیاه .

۳ حمام رفتن وشستن بدن با آب سرد ومسواک کردن زیاد .

### مستحبات داخل شدن به حرم و به مکه و به مسجدالحرام

۱ موقعیکه به حرم مکه می رسد پیاده شود و به نیت داخل شدن به حرم غسل کند ونعلین را در دست بگیرد وبا پای برهنه داخل شود ودعاهای وارد شده را بخواند .

۲ اگر ممکن است موقع وارد شدن به مکه دوباره غسل کند .

۳ با آرامش دل وبدن از راه بالای مکه وارد شود و برای ورود به مسجد نیز غسل نماید وباکمال خضوع وخشوع وآرامش دل وبدن بر در مسجد بایستد وبگوید :



السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ .

۳ پس از آن از باب السلام وارد مسجد شود و راست برود تا به ستون ها برسد ، و هنگام داخل شدن به مسجد بگوید :

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص)

بعد دستها را بلند نموده و رو به کعبه کند و بخواند دعاهاى وارد شده را .

## ۲ طواف

### اشاره

دوم از کارهای عمره تمتع ، طواف خانه کعبه است .

(مسأله ۵۳) کسی که عمره تمتع بجا می آورد وقتی وارد مکه شد ، باید خانه کعبه را هفت شوط یعنی هفت دور طواف کند و این رکن است که اگر کسی عمدتاً بجا نیاورد و به قدری تأخیر بیندازد که اگر بخواهد انجام دهد ، روز نهم ذیحجه بوقوف عرفات نمی رسد عمره او باطل است ، چه مسأله را بداند چه نداند ، بلکه بر کسی که از جهت ندانستن مسأله تا آن روز به تأخیر انداخته ، واجب است یک شتر کفاره بدهد و در

هر صورت حج تمتع چنین شخص مبدل به حج افراد میشود و باید در سال بعد هم حج تمتع را دوباره بجا آورد .

(مسأله ۵۴) اگر کسی طواف را فراموش کند باید آن را بجا آورد ، وچنانچه به شهر خودش رفته و برگشت به مکه برای او مشکل است باید نایب بگیرد که از طرف او طواف را انجام دهد .

(مسأله ۵۵) کسی که طواف را فراموش کرده سعی را بجا آورده است بنا بر احتیاط واجب باید خودش یا کسی که از طرف او طواف را بجا می آورد سعی هم بنماید.

(مسأله ۵۶) اگر مریض نتواند طواف کند باید او را طوری طواف دهند که پاهایش به زمین کشیده شود و اگر ممکن نیست باید در طواف او را به دوش بگیرند یا بطور دیگری او را طواف دهند، وچنانچه هیچ ممکن نباشد باید دیگری را نایب بگیرند که طواف او را بجا آورد .

### شرایط طواف

طواف پنج شرط دارد :

اول : آنکه نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم ، هفت دور طواف عمره تمتع حجه الاسلام را بجا می آورم .

دوم : آنکه باطهارت باشد پس کسی که می خواهد طواف واجب بجا آورد وغسل بر او واجب است یا وضوء ندارد ، اگر چه آنها را فراموش کرده باشد ، طواف او باطل است .

(مسأله ۵۷) کسی که طواف واجب بجا می آورد اگر بعد از آنکه سه دور ونیم طواف کرد وضوء یاغسل او بی اختیار باطل شود، یا عذر دیگری پیدا کند که نتواند طواف را تمام نماید ، بعد از وضوء یاغسل یا بعد از بر طرف شدن عذر باید طواف را از همانجا که رها

کرده بجا آورد و اگر پیش از چهار دور وضوء یا غسل او باطل شود یا عذری پیدا کند ، چنانچه به سه دور ونیم نرسیده طواف او باطل است .

(مسأله ۵۸) کسی که می خواهد طواف کند اگر شك کند که وضوی او باطل شده یانه ، لازم نیست وضوء بگیرد اما کسی که وضوء نداشته باشد اگر شك کند که وضوء گرفته یانه ، یابداند حدیثی از او سر زده و وضوء هم گرفته و نداند کدام جلوتر بوده باید وضوء بگیرد .

(مسأله ۵۹) اگر بعد از تمام شدن طواف شك کند که پیش از طواف با وضوء بوده یانه یابداند که پیش از طواف حدیثی از او سر زده و وضوء هم گرفته و نداند کدام جلوتر بوده طواف او صحیح است ، ولی برای اعمال بعد باید وضوء بگیرد .

(مسأله ۶۰) کسی که نمی تواند وضوء یا غسل را بجا آورد احتیاط واجب آن است که صبر کند تا وقت طواف تنگ شود و با تیمم طواف را بجا آورد .

شرط سوم : آنکه بدن و لباس او پاک باشد و خون زخم و جراحت و مانند اینها هم که می شود با آن نماز خواند به بدن و لباس او نباشد .

(مسأله ۶۱) کسی که نتواند وضوء یا غسل را انجام دهد چنانچه صبر نماید تا وقت تنگ شود تیمم هم نتواند نماید باید شخص طاهری را از برای خود نائب بگیرد و چنانچه جنب نیست بنابر احتیاط مستحب خود او نیز طواف نماید .

(مسأله ۶۲) اگر بعد از طواف بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده طواف او صحیح است ولی اگر فراموش کند و بعد از طواف یادش بیاید ، واجب است که دوباره طواف نماید .

(مسأله

۶۳) اگر در بین طواف بدن و لباسش نجس شود یا بفهمد که از پیش نجس بوده چنانچه بر طرف کردن نجاست بدون رها کردن طواف ممکن است، باید در حال طواف آنرا بر طرف کند و اگر ممکن نیست باید طواف را رها نماید، پس اگر چهار دور تمام شده، باید بدن یا لباس را تطهیر نماید و سه دور دیگر طواف کند و اگر به سه دور ونیم نرسیده، طواف او باطل است و باید بعد از بر طرف کردن نجاست طواف را از سر بگیرد و اگر از سه دور ونیم گذشته و به چهار دور نرسیده چنانچه بفهمد از پیش بوده احتیاط مستحب آنست که بعد از بر طرف کردن نجاست از همانجا که طواف را رها کرده بجا آورد تا هفت دور تمام شود و دو رکعت نماز بخواند و دوباره هفت دور طواف و دو رکعت نماز آن را انجام دهد ولی اگر در بین طواف بدن یا لباسش نجس شده لازم نیست دوباره هفت دور طواف و دو رکعت نماز را انجام دهد بلکه چنانچه طواف را از همان جا که رها کرده تمام کند و دو رکعت نماز بخواند کفایت می کند.

شرط چهارم: مردی که طواف می کند باید ختنه شده باشد و اگر بچه ای که ختنه نشده طواف نساء کند یا دیگری او را طواف نساء دهد طوافش باطل است و بعد از بالغ شدن زن بر او حرام میباشد مگر آنکه دوباره به مکه رود و طواف را بجا آورد یا نائب بگیرد که طواف او را انجام دهد.

شرط پنجم: آنکه عورت خود را بپوشاند و باید چیزی که عورت را با آن می پوشاند بطوری که در نماز گفته شد

مباح باشد، بلکه احتیاط واجب آن است که تمام شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

## واجبات طواف

کارهای واجب طواف هفت چیز است:

اول: طواف را از حجر الاسود شروع کند و باید کمی پیش از آنکه به حجر الاسود برسد نیت طواف نماید که از مقابل حجر الاسود طواف می‌نمایم تا یقین کند از وقتی که مقابل حجر الاسود رسیده نیت داشته است.

دوم: هر دوری را به حجر الاسود تمام کند و در دور آخر برای آنکه یقین کند که هفت دور طواف کرده کمی از حجر الاسود بگذرد، و قصدش این باشد که زائد جزء طواف نیست.

سوم: طوری طواف کند که خانه کعبه طرف دست چپ او باشد، پس اگر در بین طواف برای بوسیدن رکنها یا به جهت دیگری صورت را مقابل خانه کند، یا بواسطه زیادی جمعیت پشت یارو به خانه نماید، آن مقدار را نباید حساب کند و باید دوباره آن مقدار را بطور صحیح بجا آورد. (مسأله ۶۴) برای آنکه در تمام طواف شانه چپ مقابل خانه باشد، بهتر است وقتی که از حجر الاسود گذشت پیش از آنکه به درب حجر اسماعیل برسد قدری بدن خود را بطرف چپ کج نماید و نیز بهتر است پیش از رسیدن به درب دیگر حجر اسماعیل قدری بدن خود را به طرف راست کج نماید و مقابل هر رکنی که میرسد بهمین دستور عمل کند.

چهارم: موقعی که خانه را طواف می‌کند حجر اسماعیل را در طواف خود قرار دهد ولی داخل آن نشود و چنانچه داخل شود آن دور از طواف او باطل است و باید آن را

حساب نکنند و احتیاط آنست که بقیه را تهافت دور تمام نموده و دو رکعت نماز طواف خوانده و هفت دور دیگر هم طواف کند .

پنجم : در حال طواف بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم ( این مقدار فاصله بیت است تا مقام ابراهیم ) از خانه کعبه دور نشود علی الاحوط ( ذراع از آرنج است تا سر انگشتان ) و اگر در بین طواف بیشتر از این مقدار از خانه دور شود باید آن مقدار را که از خانه بیشتر از بیست و شش ذراع و نیم دور بوده از طواف حساب نکنند و آن را دوباره بطور صحیح بجا آورد ولی وقتی مقابل حجر اسماعیل رسید باید مواظب باشد که بیشتر از شش ذراع و کسری از حجر دور نشود و اگر بیشتر از این مقدار دور شد باید آن مقدار را از طواف حساب نکنند و دوباره همان مقدار را بطور صحیح بجا آورد .

ششم : دور خانه بگردد و اگر در بین طواف روی صفحه ای که اطراف خانه است و آن را شاذروان می گویند راه برود آن مقدار از طواف باطل است و باید آن را بطور صحیح بجا آورد، و همچنین است اگر در بین طواف روی دیوار حجر اسماعیل برود و احتیاط واجب آن است که در حال طواف برای دست مالیدن به رکنها یا غیر از آن از روی شاذروان دست خود را بطرف دیوار خانه دراز نکند و نیز دست را روی دیوار حجر نگذارد .

هفتم : هفت دور تمام طواف کند و آن را کم و زیاد ننماید ، و اگر عمداً بیشتر از هفت دور طواف کند ، در صورتیکه آن زیادی را بقصد جزئیت همان طواف آورده باشد طواف او باطل

است چه از اول این قصد را داشته بوده و چه در اثناء قصد کرده باشد بلکه اگر بعد از تمام شدن هفت دور هم قصد کند که آن زیادی جزء آن باشد نیز طواف باطل می شود ، بنا بر احتیاط واجب باید آن را تکرار نماید ، و در طواف واجب بعد از تمام شدن هفت شوط جایز نیست که شروع در طواف دیگر نماید و نماز آنرا عقب بیندازد ولی در طواف مستحب جایز است، هر چند که مکروه است .

(مسأله ۶۵) اگر عمداً بدون عذر از هفت دور یک دور یا بیشتر کم کند چنانچه کاری که پی در پی بودن طواف را بهم می زند نکرده باید طواف را تمام کند و اگر کاری که

پی در پی بودن طواف را بهم میزند انجام داده باید طواف را از سر بگیرد .

(مسأله ۶۶) اگر در طواف واجب سهواً زیادتر از هفت دور طواف کند و در بین طواف هشتم یادش بیاید باید آن را رها کند و طواف او صحیح است و اگر بعد از طواف هشتم یادش بیاید می تواند مقدار زیادی را حساب نکند، یا بقدری بر آن زیاد کند که هفت دور شود و هفت دور اول واجب و هفت دور دوم مستحب می باشد و بعد دو رکعت نماز برای طواف واجب و دو رکعت دیگر برای طواف مستحب بجا می آورد .

(مسأله ۶۷) اگر سهواً کمتر از هفت دور طواف کند چنانچه از سه دور و نیم گذشته باید بقیه را تا هفت دور تمام نماید و اگر از سه دور و نیم نگذشته ، باید هفت دور را از سر بگیرد و چنانچه یادش نیاید تا به وطنش برسد باید دیگری را از طرف

خود نایب بگیرد که طواف نماید .

(مسأله ۶۸) اگر طواف واجب را بدون عذر رها کند وبقدری فاصله دهد که اگر بقیه آن را انجام دهد نمی گویند طواف را پشت سر هم بجا آورده ، باید طواف را از سر بگیرد واما اگر بواسطه عذری مثل بیماری آن را رها کند پس اگر بعد از تمام شدن سه ونیم دور آن را رها کرده باشد بعد از بر طرف شدن عذر و حصول بهبودی از همانجائی که رها کرده آنرا تمام نماید و اگر پیش از تمام شدن سه ونیم دور باشد باید بعد از حصول بهبودی دوباره هفت دور طواف نماید وچنانچه قدرت بر اتمام یا استیناف پیدا نکنند بایستی صبر نمایند تا وقت طواف تنگ شود اگر ممکن است سواره یا کسی او را بر دوش گرفته و طواف کند وچنانچه این هم ممکن نباشد باید کسی را نایب بگیرد تا از عوض او طواف کند .

(مسأله ۶۹) اگر بعد از تمام شدن طواف در شماره دورها شک کند ، باید به شک خود اعتنا نکند و طواف او صحیح است و نیز اگر در آخر دوری شک کند که دور هفتم است یا هشتم باید به شک خود اعتنا ننماید و طواف او صحیح است .

(مسأله ۷۰) اگر در آخر دوری شک کند که دور ششم است یا هفتم ، یا شک کند که دور ششم است یا هشتم یا شک کند که دور ششم است یا هفتم یا هشتم طواف او باطل است .

(مسأله ۷۱) اگر بین دوری شک کند که دور هفتم است یا هشتم طواف او باطل است .

## مستحبات طواف

۱ با پای برهنه طواف کند و گامها را کوچک بردارد و ذکر بگوید و حرف بیهوده



نزد و کارهایی را که در نماز مکروه است انجام ندهد .

۲ در هر مرتبه که دور خانه می گردد بدون آنکه کسی را اذیت کند، دست یا بدن را به حجر الاسود بمالد و در حال طواف دعا بخواند .

۳ در هر دور وقتی به در خانه کعبه می رسد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و دعاهای مستحبه را بخواند و مستحبات دیگری هم هست که در کتب مفصله مسطور است

### ۳ نماز طواف

#### توضیح

بعد از هر طواف واجب انسان باید در مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) دو رکعت نماز مثل نماز صبح به نیت نماز طواف بجا آورد و احتیاط آنست که نماز را بعد از طواف فوراً بخواند و در نماز پشت مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) بایستد ، یعنی طوری بایستد که سنگی که نشانه پای حضرت ابراهیم (ع) بر آنست روبروی او باشد و اگر برای زیادی جمعیت نتواند پشت مقام بایستد باید در یکی از دو طرف مقام بایستد و اگر آنهم ممکن نیست بهر قدر که میتواند باید نزدیک پشت مقام یا نزدیک یکی از دو طرف آن نماز را بجا آورد و بهتر است که هر وقت بتواند نماز را دوباره پشت مقام بخواند .

(مسأله ۷۲) نمازی را که انسان برای طواف مستحب می خواند ، اگر چه بتواند در پشت مقام بخواند جایز است در جاهای دیگر مسجد هم بجا آورد .

(مسأله ۷۳) اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند هر وقت که یادش آمد ، باید در مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) و اگر نشود در جاهای دیگر مسجد بخواند ولی هر قدر می تواند باید نزدیک مقام بایستد ، و لازم نیست بعد از نماز سعی

و کارهای دیگری را که بجا آورده ، دوباره بجا آورد ، اگر چه احتیاط مستحب آنست که کارهای بعد از نماز را هم انجام دهد ، و کسی که نماز طواف واجب را فراموش کرده و نمی تواند به مسجد برگردد در هر جا که هست باید نماز را بخواند و احتیاط آنست که نایب هم بگیرد تا نماز را در مقام بجا آورد .

(مسأله ۷۴) کسی که نماز طواف واجب را فراموش کرده اگر پیش از آنکه آن را بخواند بمیرد ، پسر بزرگتر او باید قضای آن را بجا آورد .

(مسأله ۷۵) کسی که واجبات نماز را از قرائت و غیرها نداند عمره او باطل است و همچنین حج او ، پس بریء الذمه نخواهد شد از حجه الاسلام ، لهذا بر مکلف لازم است در جمیع اوقات خصوصاً وقت اراده حج تصحیح کند نماز خود را ، و اگر ممکن شود نماز طواف را در مقام به جماعت کند از دغدغه قرائت حمد و سوره فارغ خواهد بود .

### مستحبات نماز طواف

مستحب است در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون بخواند و بعد از نماز حمد و ثنای الهی نماید و از خداوند عالم بخواهد که عبادتش را قبول کند بعد بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و دعاهای وارده را که در کتب مفصله است بخواند .

### ۴ سعی

#### اشاره

بعد از تمام شدن نماز طواف ، باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند ، یعنی از ابتدای صفا پیاده یا سواره یا بر دوش کس دیگر به مروه برود و این یک مرتبه حساب می شود و باید از آنجا به صفا برگردد و بارسیدن به صفا دو مرتبه سعی کرده است و به این ترتیب مرتبه هفتم سعی در مروه تمام میشود ، و احتیاط مستحب آن است که موقع حرکت از صفا ، چهار پله از صفا و موقع حرکت از مروه چهار پله از مروه بالا رود .

(مسأله ۷۶) موقع حرکت از صفا انسان باید نیت کند ( مثلاً اگر سعی او برای عمره تمتع است باید قصد کند که برای انجام فرمان خداوند عالم هفت مرتبه سعی عمره تمتع حجه الاسلام را بین صفا و مروه بجا می آورد . ) و کسی که از پله های صفا بالا رفته و در آنجا نیت کرده است باید تا وقتی که پائین می آید به نیت خود باقی باشد .

(مسأله ۷۷) در سعی بین صفا و مروه باید از راهی که معمول است برود و برگردد و اگر از میان مسجد الحرام یا از طرف سوق اللیل رفت و آمد کند ، سعی او باطل است .

(مسأله ۷۸) موقعی که به مروه می رود باید روی او به مروه

، وموقع برگشتن باید روی او به صفا باشد پس اگر طوری برود که موقع رفتن روی او به صفا ، وموقع برگشتن روی او به مروه باشد سعی او باطل است ، ولی اگر متوجه طرف راست یاچپ یا گاهی بطرف پشت متوجه شود اشکال ندارد .

(مسأله ۷۹) سعی هم مثل طواف رکن است واگر کسی عمداً یاسهواً آن را بجا نیاورد ، حکم آن مثل حکم طواف می باشد که سابقاً گفته شد .

(مسأله ۸۰) کسی که سعی می کند ، لازم نیست بدن ولباس او پاک و عورتش پوشیده باشد بلکه بدون وضوء وغسل هم سعی صحیح است ، اگر چه احتیاط مستحب آن است که باوضوء یاغسل باشد .

(مسأله ۸۱) سعی را نمی شود قبل از طواف بجا آورد ولی در صورت ضرورت مثل زن که در حال طواف حیض شده اشکالی ندارد .

(مسأله ۸۲) کسی که سعی می کند ، می تواند برای استراحت قدری بر صفا یامروه بنشیند واحتیاط واجب آن است که بدون عذر بین صفا ومروه ننشیند .

(مسأله ۸۳) انسان می تواند برای استراحت یا بواسطه گرمی هوا یا عذر دیگر سعی را تا شب تأخیر بیندازد ولی نمی تواند در فردای روزی که در آن روز طواف می کند سعی را بجا آورد واحتیاط مستحب آن است که اگر عذری ندارد تا شب هم آن را تأخیر نیندازد .

(مسأله ۸۴) اگر عمداً بیش از هفت مرتبه سعی کند سعی او باطل است ولی اگر سهواً یا از روی ندانستن مسأله بیشتر از هفت مرتبه سعی کند سعی او صحیح است .

(مسأله ۸۵) اگر سهواً سعی را از هفت مرتبه

کمتر بجا آورد هر وقت که یادش آمد باید بقیه آن را انجام دهد و احتیاط مستحب آن است که در صورت کامل نشدن نصف سعی ، سعی را تمام کند و باز از سر بگیرد اگر چه اظهر کفایت اتمام است .

(مسأله ۸۶) کسی که سهواً سعی را از هفت مرتبه کمتر بجا آورده اگر سعی را تمام نکند چیزهاییکه بواسطه احرام بر او حرام بوده ، حلال نمی شود و چنانچه از مکه بیرون رفته اگر چه به شهر خودش رسیده باشد باید برگردد و آن را بجا آورد و اگر نتواند برگردد باید از طرف خود نائب بگیرد .

(مسأله ۸۷) اگر بعد از آنکه از سعی منصرف شد شك کند که چند مرتبه سعی کرده ، باید به شك خود اعتنا نکند و نیز موقعی که به مروه رسید ، اگر شك کند که هفت مرتبه سعی کرده یا بیشتر باید به شك خود اعتنا ننماید .

(مسأله ۸۸) اگر در بین سعی شك کند که مرتبه هفتم است یا کمتر یا بیشتر سعی او باطل است .

### مستحبات سعی بین صفا و مروه

پیش از سعی چند چیز مستحب است :

۱ حجر الاسود را ببوسد و دستها یا بدن را به آن بمالد یا به آن اشاره کند .

۲) با دلوئی که مقابل حجر الاسود است یک دلو یا دو دلو از آب زمزم بکشد و بر سر و پشت و شکم خود بریزد و این دعا را بخواند :

« اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ »

۳ از دری که روبروی حجر الاسود است با آرامش دل و بدن بالای کوه صفا برود و به خانه کعبه نگاه کند بعد از آن روی خود را به

رکن عراقی نموده حمد و ثنای الهی نماید و نعمت های خداوند را بیاد آورد و هفت مرتبه «الله اکبر» و هفت مرتبه «الحمد لله» و هفت مرتبه «لا اله الا الله» بگوید بعد سه مرتبه بگوید :

« لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُحْيِي وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ »

و بعد از آن بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد و سه مرتبه بگوید :

« اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا الْحَمْدُ اللَّهُ عَلَى مَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ »

و سه مرتبه بگوید :

« أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »

و سه مرتبه بگوید :

« اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَسْتُلْكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِيْنَ فِى الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ »

و سه مرتبه بگوید :

« اَللّٰهُمَّ اَتَنَا فِى الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِى الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابِ النَّارِ »

۴ باطهارت باشد .

۵ اگر میخواهد مال او زیاد شود ایستادن در صفا را طول دهد و در پله چهارم صفا در حالی که روی او به کعبه است بگوید :

« اَللّٰهُمَّ اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَبِيْحِهِ وَصَنْكِهِ ، اَللّٰهُمَّ اِظْلِنِىْ فِى ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّكَ »

پس از آن یک پله پائین بیاید و پشت خود را برهنه کند و بگوید :

« يَا رَبِّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُثَبِّتُ عَلَى الْعَفْوِ ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيْمُ يَا قَرِيْبُ يَا بَعِيْدُ أُرْدُدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ »

۶) پیاده سعی کند و از صفا تا مناره و نیز از بازار عطر فروشان تا مروه را بطو متوسط برود ، یعنی

نه تند باشد و نه کند (۱) ولی از مناره تا بازار عطر فروشان را اگر مرد است هروله کند یعنی مثل شتر قدمها را کوتاه و تند بردارد

(۷) در حال سعی گریه کند و اگر گریه اش نمی آید خود را وادار بگریه نماید و بسیار دعا کند .

## ۵ تقصیر

بعد از تمام شدن سعی باید تقصیر کند یعنی به نیت حلال شدن چیزهاییکه در عمره تمتع بر او حرام بوده برای انجام فرمان خداوند عالم ، مقداری از ناخن یا موی سر یا ریش یا شارب یا ابروی خود را بچیند و اگر سر را بترشد کافی نیست بلکه حرام میباشد .

(مسأله ۸۹) اگر بعد از احرام حج یادش بیاید که تقصیر عمره را بجا نیاورده ، عمره او صحیح است و بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بر او واجب میشود .

(مسأله ۹۰) کسی که عمداً تقصیر را ترک کند عمره او فاسد است و حج تمتعش مبدل به افراد میشود و باید بعد از فراغ از اعمال حج عمره مفرده ای بجا آورد و بنا بر احتیاط واجب در سال بعد هم دوباره حج کند و جاهل ملتفت بحکم عامد است .

(مسأله ۹۱) بعد از تقصیر ، همه کارهاییکه بر او حرام بوده حلال میشود .

(مسأله ۹۲) احتیاط مستحب آنستکه بعد از تقصیر ، طواف نساء و نماز بعد از آن را هم بجا آورد .

(مسأله ۹۳) هرگاه وقت بقدری تنگ باشد که اگر بخواهد موقع وارد شدن بمکه ، عمره تمتع را بجا آورد ، بوقوف عرفات و مشعر نمیرسد باید بجای حج تمتع حج افراد را بجا آورد و دستور آن این است که اگر برای عذری در میقات محرم نشده باید اگر ممکن است از مکه خارج شده

واز أدنی الحل بلکه بهتر آنکه از جعرانه که در طرف طائف واقع شده است به نیت حج افراد محرم شود و در صورتی که خروج از مکه ممکن نشد باید از همانجا محرم شود و در صورتیکه برای عمره تمتع محرم شده باید از نیت عمره تمتع بحج افراد برگردد و به عرفات رود و بعد از آنکه اعمال حج افراد را انجام داد باید از حرم بیرون روند و به نیت عمره مفرده محرم شوند و به مکه برگردند و طواف وسعی و طواف نساء و تقصیر را به طوری که گفته شد انجام دهند .

(مسأله ۹۴) هر گاه در وقتی عمداً عمره تمتع را باطل کند که اگر بخواهد دوباره بجا آورد وقت ندارد باید حج افراد و بعد از آن عمره مفرده را انجام دهد ، ولی احتیاط واجب آن است که بعداً حج تمتع را هم بجا آورد .

## حج تمتع

### اشاره

اعمال حج تمتع سیزده چیز است ، اول : احرام .

دوم : وقوف بعرفات یعنی ماندن در عرفات که در ۴ فرسخی مکه است بدستوری که بعداً گفته میشود .

سوم : وقوف بمشعر الحرام که تقریباً در دو فرسخی مکه است .

چهارم : رفتن به منی که در نزدیکی مکه است و انداختن سنگ ریزه بر جمره عقبه .

پنجم : قربانی کردن در منی .

ششم : تراشیدن سر ، یا گرفتن کمی از ناخن یا موی سر در منی ( برای کسی که سفر دوم باشد یا زنان ) .

هفتم : طواف زیارت .

هشتم : دو رکعت نماز طواف .

نهم : سعی بین صفا و مروه .

دهم : طواف نساء .

یازدهم : دو رکعت نماز طواف نساء .

دوازدهم : ماندن در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم

ذیحجه ولی بعضی از حجّاج باید شب سیزدهم را در منی بمانند .

سیزدهم : انداختن سنگ ریزه بر سه جمره در منی در روز یازدهم و دوازدهم و بعضی در روز سیزدهم هم باید سنگریزه بجره بیندازند و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد .

## (۱) احرام

بعد از تمام شدن عمره تمتع انسان باید به دستوری که سابقاً گفته شد ، برای حج محرم شود ، و لازم نیست فوراً آن را انجام دهد ولی احتیاط واجب آنستکه پیش از روز هشتم از مکه بیرون نرود و چنانچه بیرون رود و تاوقت برگشتن یک ماه طول بکشد احتیاط واجب آنست که محرم به احرام عمره شده و پس از فراغ از اعمال عمره احرام حج ببندد و این در صورتی است که وقت وقوف به عرفات تنگ نشده باشد ، و اما هرگاه وقت بقدری تنگ باشد که اگر محرم نشود روز نهم ذیحجه بوقوف عرفات نمیرسد ، باید فوراً محرم شود و احتیاط مستحب آن است که روز هشتم احرام را انجام دهد .

(مسأله ۹۵) در هر جای از مکه انسان میتواند احرام حج را انجام دهد ولی مستحب است در مسجد الحرام در مقام حضرت ابراهیم یادر حجر حضرت اسماعیل محرم شود .

(مسأله ۹۶) اگر کسی عمداً برای حج محرم نشود تاوقت وقوف عرفات و مشعر الحرام بگذرد حجتش باطل است .

(مسأله ۹۷) کسی که از روی فراموشی یا ندانستن مسأله در مکه محرم نشده اگر در منی یا عرفات متوجه شود ، باید برگردد و احرام را بجا آورد و اگر برای تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند برگردد ، در هر جا که هست باید محرم شود .

(مسأله ۹۸) اگر بعد از گذشتن وقت وقوف عرفات و مشعر الحرام ، یاپیش



از تمام شدن اعمال حج بفهمد که محرم نشده ، احرام ببندد و حج را تمام کند و احتیاطاً در سال بعد دوباره بجا آورد اگر چه اقوی کفایت است ولی اگر بعد از تمام شدن اعمال حج یادش بیاید حج او صحیح است .

### مستحبات احرام حج

۱ احرام را بدستوری که در احرام عمره گذشت بعد از نماز واجب یا مستحب انجام دهد .

۲ لبیکهای مستحب را بدستوری که در احرام عمره گذشت بگوید ولی کلماتی را که مخصوص به عمره است عوض کند مثلاً بجای « وَهَذِهِ عُمْرَةٌ مُتَعَهُ إِلَى الْحَجِّ » بگوید : « وَهَذِهِ حِجَّةٌ تَمْتَعُ »

۳ تا رسیدن به عرفات لبیکها را ترک نکند و از ظهر روز نهم دیگر لبیک نگوید .

۴ با آرامی دل و بدن طرف منی برود و تسبیح و ذکر بگوید و این دعا را بخواند :

« اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَرْجُوا وَإِيَّاكَ أَدْعُوا فَبَلِّغْنِي أَمَلِي وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي »

۵ موقعی که به منی میرسد بگوید :

« الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانِ ، اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَهِيَ مِنِّي مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدٌ كَوَفِي قَبْضَتِكَ »

۶ شب عرفه ( شب نهم ذیحجه ) در منی مشغول عبادت باشد و بهتر است که عبادت های خود مخصوصاً نمازها را مسجد خیف بجا آورد .

۷ بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند بعد به عرفات رود .

۸ موقع رفتن به عرفات این دعا را بخواند :

« اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي »

وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي»

## (۲) وقوف در عرفات

ماندن در عرفات مقداری از ظهر روز نهم ذیحجه تا غروب بمقداری که بگویند در آنجا توقف کرده رکن است و این را وقوف اختیاری عرفات می گویند که اگر کسی عمداً بجا نیارد اگر چه بوقوف اضطراری عرفات برسد یعنی شب دهم را در عرفات بماند، حج او باطل میشود و چنانچه سهواً بجا نیارد اگر وقوف به مشعر را هم عمداً یا سهواً ترک کند حج او باطل و گرنه صحیح است.

(مسأله ۹۹) کسی که حج میکند بنا بر احتیاط واجب باید روز نهم ذیحجه را از ظهر تا مغرب در عرفات بماند و فرق نمی کند که پیاده باشد یا سواره، راه برود یا بنشیند ولی اگر در تمام این مدت خواب یا بیهوش باشد وقوف او باطل است.

(مسأله ۱۰۰) کسی که روز نهم وقوف بعرفات را بجا میآورد باید نیت کند که امروز از ظهر تا مغرب برای حج تمتع به قصد انجام فرمان خداوند عالم در عرفات می مانم.

(مسأله ۱۰۱) اگر کسی عمداً پیش از مغرب روز نهم از عرفات بیرون رود و در همان روز برنگردد باید در روز عید یک شتر قربانی کند و اگر نتواند هیچده روز پی در پی روزه بگیرد بلکه اگر پشیمان شود و برگردد و تا مغرب بماند بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب میشود.

(مسأله ۱۰۲) اگر سهواً یا از روی ندانستن مسأله از عرفات بیرون رود و پیش از مغرب ملتفت شود، باید برگردد و اگر برگردد معصیت کرده و بنا بر احتیاط کفاره هم بر او واجب است ولی اگر تا غروب متوجه نشود چیزی بر او واجب نیست.

(مسأله)

۱۰۳) اگر بواسطه فراموشی یا تنگی وقت یا عذر دیگر هیچ مقدار از ظهر تا مغرب روز نهم را در عرفات نماند و مقداری از شب عید را در عرفات بماند اگر چه کم باشد و بعد وقوف در مشعر بنماید حج او صحیح است و چنانچه عمداً هیچ مقدار از شب عید را هم در آنجا نماند، اگر چه وقوف بمشعر را بجا آورد حج او باطل است و چنانچه روز عرفه مشکوک شد میتوانند به مجتهد مطلق جامع الشرائطی که متابعت عامه را کافی میدانند رجوع نمایند.

#### مستحبات وقوف در عرفات

۱ خیمه خود را در محلی بزند که متصل به عرفات است و آن را نمره میگویند، گرچه وقوف نباید در نمره باشد.

۲ بارفقای خود در یک جا وقوف نکند.

۳ پائین کوه در زمین هموار وقوف نماید و مکروه است که در بالای کوه وقوف کند.

۴ باطهارت باشد و غسل کند.

۵ در تمام مدت وقوف بایستد و اگر نتواند هر قدر از آن را که میتواند ایستاده انجام دهد و مکروه است سواره یا نشسته وقوف کند.

۶ برای آنکه دلش کاملاً یاد خدا باشد چیزهایی را که باعث پریشانی حواس است از خود دور کند بعد مشغول نماز شود.

۷ نماز ظهر و عصر را در اول وقت بخواند و برای نماز ظهر اذان و اقامه و برای نماز عصر فقط اقامه بگوید.

۸ بعد از نماز رو به قبله بایستد و با توجه به خداوند عالم مشغول حمد و ثنای او شود و صد مرتبه « اللَّهُ أَكْبَرُ » و صد مرتبه « أَلْحَمْدُ لِلَّهِ » و صد مرتبه « سُبْحَانَ اللَّهِ » و صد مرتبه « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ » و صد

مرتبۀ « آیه الکرسی » بخواند و صد صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و نیز صد مرتبۀ سوره « انا انزلناه » بخواند بعد از آن صد مرتبۀ بگوید : « لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ » و صد مرتبۀ سوره « قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ » بخواند ، و ( دعاهای دیگر در کتب مفصله مسطور است ) .

۹ زیاد دعا کند و به خداوند عالم از شر شیطان پناه برد که او را از یاد خدا غافل نکند .

۱۰ متوجه خود باشد و به مردم نگاه نکند و بادل و زبان طلب آمرزش نماید .

۱۱ گناهان خود را بشمارد و گریه کند و اگر نتواند گریه کند خود را وادار به گریه نماید .

۱۲ برای خود و پدر و مادر و برادران دینی اقلّاً برای چهل نفر دعا کند و در خبر است که هر چه برای برادران دینی خود بخواهد ملکی از خداوند صد هزار برابر آن را برای او می خواهد .

۱۳ از ظهر تا غروب غیر از ذکر و دعا و استغفار کار دیگری نکند .

۱۴ دعاهائی را که دستور داده اند مخصوصاً دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء (علیه السلام) و دعای حضرت امام زین العابدین (علیه السلام) را بخواند .

۱۵ بقدری که برایش ممکن است خیرات و تصدق کند .

۱۶ رو به قبله صد مرتبۀ بگوید : « سُبْحَانَ اللّٰهِ » بعد از آن صد مرتبۀ بگوید « اللّٰهُ اَكْبَرُ » و صد مرتبۀ بگوید :

« مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللّٰهِ »

و صد مرتبۀ بگوید :

« اَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ »

بعد از آن بگوید :

« بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ »

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون « تا آخر آیه دهم از سوره بقره .

۱۷ یک مرتبه آیه الكرسي وسه مرتبه قل هو الله احد بخواند .

۱۸ این آیه را بخواند :

« إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ »

بعد از آن سوره قل اعوذ برب الفلق وسوره قل اعوذ برب الناس را بخواند وپس از آن نعمت هائی را که خداوند عالم به او مرحمت فرموده وبلهائی را که از او دور کرده یک یک بشمارد و بگوید :

« اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَائِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَى بِعَمَلٍ »

۱۹ حاجتهای خود را بخواهد ودعا کند که سالهای بعد هم برای حج موفق شود .

۲۰ هفتاد مرتبه بگوید « أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ » وهفتاد مرتبه بگوید « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ » بعد از آن بگوید :

« سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي فَاعْفِرْ لِي إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ »

وچون آفتاب غروب کند بگوید :

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَمِنْ تَشْتِيتِ الْأَمْرِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَحْدُثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَأُمْسِي ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَأُمْسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانَتِكَ وَأُمْسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزَّتِكَ وَأُمْسِي وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ يَا أَرْحَمَ مَنْ أَسْتَرْجِمَ جَلَلَنِي »

بِرَحْمَتِكَ وَالْبِسْنِي عَافِيَتِكَ وَأَصْرِفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ » .

### ( ۳ ) وقوف در مشعر الحرام

کسی که حج می کند باید شب عید از عرفات به مشعر الحرام برود و احتیاط واجب آن است که تا صبح آنجا بماند و باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم امشب را تا صبح در مشعر الحرام می مانم و اول اذان صبح دوباره باید نیت وقوف کند ، مثلاً : اگر حج او حج تمتع است ، باید قصد کند که برای انجام فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجه الاسلام از حالا تا اول افتاب در مشعر الحرام

می مانم و احتیاط واجب آنست که پیش از افتاب از مشعر بیرون نرود ، یا اگر بیرون رفت ، پیش از افتاب از وادی محسّر که اسم محلی است نگذرد و چنانچه از وادی محسّر بگذرد بنا بر احتیاط یک گوسفند کفاره بر او واجب می شود .

(مسأله ۱۰۴) ماندن در مشعر الحرام از اول اذان صبح روز عید تا اول افتاب به مقداری که بگویند در آنجا توقف کرده رکن است که اگر کسی عمداً آن را ترک کند حش باطل است ولی کسی که کار ضروری دارد و نیز زنان و مردان پیر و بیماران و مانند اینها که اگر تا صبح در مشعر بمانند بواسطه زیادی جمعیت بزحمت می افتند ، چنانچه شب را به قصد وقوف در مشعر مانده باشد ، میتوانند پیش از اذان صبح از مشعر به منی بروند .

(مسأله ۱۰۵) اگر انسان نرسد که مقداری از اذان صبح تا اول افتاب را در مشعر بماند در صورتیکه مقداری از اول افتاب روز عید تا ظهر در آنجا بماند حش صحیح است .

تبصره

عرفات دو

وقوف دارد ، یکی وقوف اختیاری که ماندن در عرفات است در مقداری از ظهر تاغروب روز نهم ذیحجه ، و یکی وقوف اضطراری که ماندن در عرفات است در مقداری از شب دهم ، ومشعر الحرام سه وقوف دارد :

اول : وقوف از اول شب عید تااذان صبح واین وقوف اضطراری مشعر است .

دوم : وقوف از اذان صبح تا اول آفتاب واین وقوف اختیاری مشعر است .

سوم : وقوف از اول آفتاب تا ظهر که این هم وقوف اضطراری مشعر میباشد واحکام چند صورت اینها بیان میشود :

اول ( آنکه بوقوف اختیاری عرفات ومشعر برسد که حج او صحیح است .

دوم ) به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفات ومشعر نرسد که حج او باطل است وباید به احرامی که برای حج داشته عمره مفرده را که عبارت از طواف زیارت ونماز وسعی وتقصیر وطواف نساء ونماز آن میباشد بجا آورد وبعد از این اعمال از احرام بیرون میرود واگر گوسفند همراه او باشد ، باید قربانی کند ومستحب است باحاجیان در منی بماند ودر مکه اعمال عمره را بجا آورد .

سوم ) آن که فقط مقداری از اول آفتاب تاظهر روز عید را مشعر بماند .

چهارم ) فقط بوقوف اضطراری عرفات برسد که در این صورت هم حج او باطل است .

پنجم ) فقط به وقوف اضطراری عرفات ومشعر برسد که در این صورت بعید نیست حج او صحیح باشد اگر چه احتیاط مستحب آنست که چنانچه شرائط وجوب تا سال بعد باقی باشد در سال بعد دوباره بیاورد .

ششم ) به وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر برسد که در این صورت

حج او صحیح است .

هفتم ) به وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر برسد که در این صورت حجش صحیح است .

هشتم ) فقط به وقوف اختیاری عرفات برسد در این صورت بنابر اشهر اقوال حج او صحیح است بلکه اقوی صحت است در صورتیکه ترک مشعر از روی جهل باشد .

نهم ) فقط بوقوف اختیاری مشعر برسد که در این صورت هم ظاهراً حجش صحیح می باشد .

(مسأله ۱۰۶) اگر مسامحه و کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و به وقوف عرفات و مشعر نرسد ، در سال بعد اگر چه شرایط واجب بودن حج را دارا نباشد باید حج کند ولی اگر کوتاهی نکرده باشد ، فقط در صورتی که سال بعد شرایط واجب بودن حج را دارا باشد باید حج نماید بشرط آن که سال اول استطاعت او باشد .

مستحبات وقوف مشعر الحرام

در وقوف مشعر چند چیز مستحب است و از آن جمله است :

۱ با آرامی دل و بدن بطرف مشعر الحرام برود و استغفار کند و این دعا را خواند :

« اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَارْزُقْنِي الْعُودَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَاعْظِمْنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَهَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ »

و بسیار بگوید :

« اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ »

۲ نماز مغرب و عشاء را در مشعر بخواند ولی اگر نتواند پیش از نصف شب به مشعر برسد ، باید پیش از رسیدن به مشعر



نماز را بجا آورد .

۳ برای نماز مغرب اذان واقامه و برای عشا فقط اقامه بگوید .

۴ بین نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد و نافله مغرب را بعد از نماز عشا بخواند .

۵ تا صبح مشغول عبادت باشد ، در خبر است که در این شب درهای آسمان باز است و دعاهای مؤمنین مستجاب میشود .

۶ برای خود و پدر و مادر و اهل و مال و فرزندان خود بسیار دعا کند .

۷ وقتی آفتاب بکوه شبیر میافتد هفت مرتبه به گناهان خود اقرار کند و هفت مرتبه استغفار نماید .

۸ با وقار بطرف منی برود و در راه مشغول ذکر و استغفار باشد .

۹ وقتی بوادی محسر ( اسم محلی است ) میرسد اگر پیاده است هروله کند یعنی مثل شتر تند برود و اگر سواره است مرکب خود را تند براند ، و در وقت هروله بگوید :

« اللَّهُمَّ سَلِّمْ عَهْدِي وَأَقْبِلْ تَوْبَتِي وَأَجِبْ دَعْوَتِي وَاخْلِفْنِي بِخَيْرٍ فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمَ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ » .

۱۰ اگر هروله را فراموش کرد برگردد و از همانجا که فراموش کرده هروله نماید و مستحبات دیگری هم هست .

## واجبات منی

### اشاره

کارهای واجب منی سه چیز است :

اول رمی .

دوم قربانی .

سوم حلق یا تقصیر .

### ارمی

(مسأله ۱۰۷) کسی که حج می کند باید در روز عید از مشعر الحرام به محلی که آن را منی می گویند برود و در آنجا رمی کند یعنی هفت سنگ ریزه به جمره عقبه بیندازد و وقت آن از اول آفتاب است تا غروب و اگر فراموش کند باید تا روز سیزدهم بجا آورد و چنانچه تا روز سیزدهم یادش نیاید در سال بعد خودش بمکه رود و رمی کند ، یادگیری را نایب بگیرد .

(مسأله ۱۰۸) سنگ ریزه ها باید از سنگریزه حرم وطوری باشد که به آن ، سنگ بگویند ونیز باید کس دیگری با آن به طور صحیح رمی نکرده باشد ، ومستحب است که شب عید آنها را از مشعر بردارد .

(مسأله ۱۰۹) پنج چیز در رمی واجب است :

اول : نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم در حج تمتع حجه الاسلام هفت سنگ بجمره عقبه می اندازم .

دوم : سنگها را به جمره بیندازد ، واگر آنها را در جمره بگذارد ، کافی نیست .

سوم : سنگها بواسطه انداختن ، به جمره برسد پس اگر بجای دیگر بخورد ، بعد به جمره برسد ، یا بواسطه انسان دیگر یا حیوانی به جمره رسد کفایت نمی کند واگر شك کند که به جمره رسید یا نه ، باید بنا بگذارد که نرسیده است .

چهارم : شماره سنگ ها از هفت کمتر نباشد .

پنجم : آنها را پشت سر هم بیندازد واگر باهم بیندازد اگر چه پشت سر هم به جمره برسد صحیح نیست ولی اگر پشت

سر هم بیندازد و باهم بجمره برسد صحیح است .

مستحبات رمی

۱ سنگ ریزه هائی را که برای انداختن به جمره ها تهیه می کند ، بقدر سر انگشت و رنگین و نقطه دار باشد و آنها را دانه دانه از روی زمین بردارد .

۲ موقع انداختن سنگریزه ها پیاده و با وضو باشد و پشت بقبله و رو به جمره نماید .

۳ مابین او و جمره ده ذراع یا پانزده ذراع (ذراع از آرنج است تا سر انگشتان) باشد .

۴ وقتی سنگ ریزه هارا بدست می گیرد این دعا را بخواند :

« اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي فَأَحْصِيَنَّ لِي وَارْفَعْنَنِّي لِي فِي عَمَلِي »

۵ سنگ ریزه را روی شست بگذارد و با انگشتی که پهلوی شست است آنرا پرتاب کند .

۶ در موقع انداختن هر سنگی این دعا را بخواند :

« اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا وَعَمَلًا مَقْبُولًا وَسَعْيًا مَشْكُورًا وَذَنْبًا مَغْفُورًا »

۷ بعد از آن که بجای خود برگشت این دعا را بخواند :

« اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقَّتْ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ »

## ۲ قربانی

کسی که حج تمتع بجا می آورد ، باید روز عید در منی یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند .

و یک قربانی برای چند نفر کافی نیست و اگر از روی فراموشی یا بواسطه عذری قربانی نکند ، باید تا آخر ذیحجه قربانی نماید .

(مسأله ۱۱۰) قربانی اگر شتر است باید داخل سال ششم شده باشد و اگر گاو است بنابر احتیاط واجب باید داخل سال سوم

شده باشد و اگر میش است باید هفت ماه تمام داشته باشد اگر

چه احتیاط مستحب آنست که داخل سال دوم باشد و اگر بز است بنابر احتیاط واجب باید داخل سال سوم شده باشد .

(مسأله ۱۱۱) گوسفند قربانی باید لاغر و بسیار پیر نباشد و نیز باید مریض و ناقص نباشد ، و بنابر احتیاط واجب خلقتاً بی شاخ و بی دم و بدون گوش نباشد مگر آن که همه افراد آن صنف به همین نحو باشند ، پس در این صورت ناقص حساب نمی شود ، پس اگر حیوان ناخوش یا کور یا لنگ قربانی کند کافی نیست حتی اگر کمی از گوش آن بریده باشد یا شاخ اندرونی آن چیزی کم باشد کفایت نمیکند ، ولی اگر گوش او شکافته و یا سوراخ باشد اشکال ندارد .

(مسأله ۱۱۲) گوسفندی که تخمهای آن را کشیده اند نمیشود قربانی کرد ، و بنابر احتیاط واجب باید حیوانی را که بی شاخ یا بی دم یا بی گوش است ، یا تخمهای آنرا کوبیده اند قربانی نکنند .

(مسأله ۱۱۳) اگر گوسفند یا گاو یا شتر با شرطهای گذشته پیدا نشود ، باید قیمت آن را نزد شخص امینی بگذارد که تا آخر ذیحجه بخرد و قربانی کند و چنانچه در آن سال ممکن نشود ، احتیاط واجب آن است که اگر حیوان ناقص پیدا کرد قربانی کند و در سال بعد حیوان صحیح و سالمی که شرایط را دارا باشد قربانی نماید و اگر حیوان ناقص هم پیدا نکند بنابر احتیاط واجب باید ده روز هم روزه بگیرد و در سال بعد حیوانی که شرائط را واجد باشد قربانی نماید .

(مسأله ۱۱۴) اگر قربانی با شرطهای آن پیدا شود ولی انسان نتواند آنرا خریداری کند ، در صورتی که بتواند قربانی ناقص بخرد ، احتیاط واجب آن است که همان را قربانی

کند(۱) و روز هفتم و هشتم و نهم ذیحجه را روزه بگیرد و بعد از آنکه به وطنش برگشت هفت روز دیگر روزه بگیرد و اگر نتواند که روز هفتم را روزه بگیرد ، باید روز هشتم و نهم و یک روز هم بعد

تذکر: در موقع قربانی دقت قبله و شرائط ذبح را بنماید .

از برگشتن از منی روزه بگیرد ولی اگر روزه هشتم را روزه نگیرد نباید روز نهم را روزه بگیرد بلکه باید صبر کند و بعد از برگشتن از منی سه روز روزه بگیرد .

(مسأله ۱۱۵) اگر نتواند حیوان ناقص هم بخرد باید بدستوری که گذشت ده روز روزه بگیرد ولی اگر بعد از آنکه سه روز روزه گرفت بتواند حیوانی را که دارای شرایط باشد خریداری کند بنابر احتیاط واجب باید آن را قربانی نماید .

(مسأله ۱۱۶) اگر حیوانی را به گمان اینکه چاق است قربانی کند ، بعد بفهمد لاغر بوده کافی است ، ولی اگر حیوانی را به گمان اینکه صحیح است قربانی کند ، بعد معلوم شود که ناقص بوده ، باید دوباره قربانی نماید .

(مسأله ۱۱۷) کسی که قربانی میکند ، بنابر احتیاط واجب باید مقداری از قربانی را خودش بخورد و مقداری از آن را به مؤمنین هدیه و قدری هم به آنها صدقه و احتیاط مستحب آن است که مقدار هر یک از هدیه و صدقه ، کمتر از یک سوم قربانی نباشد .

(مسأله ۱۱۸) انسان نمیتواند به افرادی که مسلمان بودن آنان معلوم نیست ، قربانی بدهد پس احتیاط آن است که اول کمی از قربانی را برای خود بردارد و بعد ثلث آن را به فقیر مؤمن(۱) و ثلث آن را به بعضی از رفقای خود هدیه بدهد و لازم نیست که

سهم هر کدام را جدا کند بلکه اگر همینطور هدیه و تصدق کند و بعد آن فقیر مؤمن و کسی که هدیه را قبول کرده سهم خود را به اهل آن افراد صدقه بدهند اشکال ندارد و چنانچه پیش از عمل کردن به این احتیاط آن افراد قربانی را بدزدی یا به غارت ببرند ، لازم نیست دوباره قربانی کند ، ولی اگر خودش قربانی را به آنان بدهد بنا بر احتیاط واجب باید سهم فقرا را تهیه کرده و به فقرا بدهد .

### مستحبات قربانی

مستحبات قربانی چند چیز است :

۱ قربانی شتر باشد و بعد از شتر گاو و بعد از گاو گوسفند و نیز مستحب است که قربانی بسیار چاق باشد و اگر شتر یا گاو است ماده و اگر گوسفند یا بز است نر باشد .

۲ شتر در حال قربانی ایستاده و از پائین دستهای آن تازانو بسته باشد .

۳ کسی که قربانی میکند در طرف راست شتر بایستد و کارد یا نیزه یا خنجر را به گودی گردنش فرو برد و در وقت فرو بردن بگوید :

« وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صِلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي » .

۴ خودش قربانی را بکشد و اگر نمیتواند ، دست روی دست کسی که آنرا می کشد بگذارد .

### ۳ حلق و تقصیر

مردها بعد از قربانی باید حلق کنند یعنی سرشان را بتراشند یا تقصیر کنند یعنی قدری از ناخن یا موی شارب خود را بگیرند و احتیاط مستحب آن است کسی که سفر اول اوست سر خود را بتراشد ولی چنانچه مثلاً برای بر طرف کردن شپش ،

سر خود را با چیزی چسبانده یا موی خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است واجب است در سفر اول سر خود را بتراشد، ولی زن و خنثی یعنی کسی که آلت مردی وزنی ندارد باید تقصیر کنند و نمیتوانند سر خود را بتراشند.

(مسأله ۱۱۹) کسی که حلق یا تقصیر میکند، باید نیت کند که برای انجام فرمان خداوند عالم، سر خود را در حج تمتع می تراشم یا مو و ناخن می گیرم.

(مسأله ۱۲۰) بعد از آنکه حلق یا تقصیر نمود غیر از زن و بوی خوش و صید، تمام چیزهاییکه در حال احرام بر او حرام بوده حلال می شود.

(مسأله ۱۲۱) احتیاط واجب آن است که اول رمی کند و بعد قربانی و بعد از آن حلق یا تقصیر نماید، و چنانچه به این ترتیب عمل نکند اگر از روی فراموشی باشد اشکال ندارد و اگر عمدی باشد، در صورتی که بتواند باید احتیاطاً طوری این اعمال را انجام دهد که ترتیب بعمل آید.

(مسأله ۱۲۲) اگر بعد از بیرون رفتن از منی یادش بیاید که حلق یا تقصیر نکرده باید برگردد و حلق یا تقصیر را انجام دهد و اگر نتواند برگردد در هر جا که یادش آمد باید حلق کند و چنانچه ممکن باشد موی خود را به منی بفرستد.

(مسأله ۱۲۳) اگر حلق یا تقصیر را فراموش کند و بعد از طواف وسعی یادش بیاید باید حلق کند و بعد از آن دوباره طواف وسعی را به جا آورد و اگر بعد از طواف یادش بیاید باید بعد از حلق دوباره طواف نماید.

#### مستحبات تقصیر

مستحبات تقصیر چند چیز است:

۱ موقع سر تراشیدن رو به قبله باشد.

۲ از جلو

سر و طرف راست آن شروع کند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۳ موی سر را در منی در محل خیمه خود دفن کند .

آنچه بعد از اعمال منی واجب است

کسی که حج تمتع میکند بعد از رمی و قربانی و حلق باید به مکه برگردد و طواف زیارت و نماز آن و سعی و طواف نساء و نماز آن را به دستوری که در عمره تمتع گفته شد انجام دهد .

(مسأله ۱۲۴) کسی که حج تمتع میکند لازم نیست بعد از اعمال منی فوراً به مکه برگردد ، بلکه می تواند تا آخر ذیحجه آمدن به مکه را تأخیر بیندازد اگر چه احتیاط مستحب آنست که پیش از ظهر روز سیزدهم به مکه برگردد.

(مسأله ۱۲۵) انسان نمی تواند پیش از رفتن به عرفات و مشعر و منی طواف و سعی را بجا آورد ، ولی کسی که نمی تواند بعد از برگشتن به مکه این اعمال را انجام دهد ، مثل آنکه زن گمان کند که بعد از برگشتن حیض یا نفاس ببیند یا پیرمرد بواسطه زیادی جمعیت نتواند طواف را انجام دهد اگر پیش از رفتن به عرفات طواف و سعی را بجا آورد اشکال ندارد ولی اولی و احوط آنست که بعد از وقوف به عرفات و مشعر و فراغ از اعمال منی در صورت امکان دوباره طواف و نماز آن و سعی را انجام دهد ، و در صورت عدم اعاده احوط استنابه می باشد .

(مسأله ۱۲۶) بعد از طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه بوی خوش بر او حلال می شود ولی صید وزن بر او حرام است و بعد از آنکه طواف نساء و نماز آنرا که دستورش مثل طواف



زیارت و نماز آن است بجا آورد ، زن و صیدهاییکه در حال احرام بر او حرام بوده حلال میشود ولی صید حیوانات حرم حرام میباشد .

(مسأله ۱۲۷) بدان که طواف نساء هر چند که واجب است وبدون آن زن حلال نمیشود الا آن که معروف مابین علماء آنست که از ارکان حج نیست پس ترک آن عمداً مثل ترک طواف زیارت حج یا طواف عمره نیست که باعث فساد حج یا عمره شود بلکه واجب است بر تارک آن که آن را بجا بیاورد و تا آنرا بجا نیاورده زن بر او حلال نمیشود وهمچنین عقد کردن وشهادت بر آن علی الاحوط .

## ماندن در منی

### در شب یازدهم ودوازدهم وسیزدهم

(مسأله ۱۲۸) کسی که روز عید برای طواف وسعی به مکه آمده است بعد از طواف وسعی باید به منی برگردد و شب یازدهم ودوازدهم را در آنجا بماند ودر اول شب نیت ماندن شب را بنماید .

(مسأله ۱۲۹) کسی که در حال احرام از شکار کردن ویا از زن خودداری نکرده ، باید شب سیزدهم را هم در منی بماند ودر روز سیزدهم به ترتیبی که گفته شد به سه جمره سنگ ریزه بیندازد .

(مسأله ۱۳۰) کسی که حج می کند می تواند بعد از ظهر روز دوازدهم از منی برگردد واگر تاشب برگردد باید شب را در آنجا بماند ودر روز سیزدهم به ترتیبی که گفته شد به سه جمره سنگ ریزه بیندازد وبرود به مکه .

(مسأله ۱۳۱) کسی که حج می کند نباید پیش از نصف شب از منی بیرون رود واگر بعد از نصف شب بیرون رود اشکال ندارد ولی احتیاط واجب آن است که پیش از اذان صبح وارد مکه نشود

(مسأله ۱۳۲) اگر عمداً شب را در منی نماند برای هر شبی باید یک گوسفند بکشد بلکه اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله شب را در منی نماند بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند قربانی نماید .

(مسأله ۱۳۳) کسی که بواسطه عذری نمیتواند شب را در منی بماند مثلاً بیمار یا پرستار بیمار است یا می ترسد که اگر بماند مالش را ببرند گناه نکرده است ولی بنا بر احتیاط واجب باید برای هر شبی که در منی نمانده یک گوسفند بکشد ، و چوبان و کسی که بحاجیان آب میدهد اگر شب را در منی نماند نیز گناه نکرده است ولی احتیاطاً برای هر شبی که در منی نمانده یک گوسفند بکشد و اما کسی که به منی نیامده و شب را فقط برای عبادت در مکه بیدار مانده و جز برای تجدید وضوء یا کار ضروری دیگر مثل مختصری خوردن و آشامیدن بکار دیگری مشغول نشده است چیزی بر او نیست .

### رمی سه جمره

کسی که حج تمتع میکند باید روز یازدهم و دوازدهم سه جمره یعنی جمره اولی و جمره وسطی و جمره عقبه را به ترتیب رمی کند یعنی به هر یک آنها هفت سنگ ریزه بیندازد و اگر در حال احرام شکار کرده یا به جهت دیگری که در مسأله ۱۳۰ گفته شد باید شب سیزدهم را در منی بماند واجب است روز سیزدهم را هم رمی کند .

(مسأله ۱۳۴) اگر به ترتیب بر سه جمره سنگ نیندازد باید دوباره طوری سنگ بیندازد که ترتیب بعمل آید .

(مسأله ۱۳۵) اگر بعد از آن که به یکی از سه جمره چهار سنگ انداخت از روی فراموشی مشغول جمره دیگر شود اشکال ندارد و باید بعد از تمام شدن جمره ای

که مشغول است سه سنگ دیگر به جمره ای که چهار سنگ به آن انداخته بیندازد و اگر عمداً مشغول جمره دیگر شود احتیاط واجب آنست که هفت سنگ بجمره ای که چهار سنگ به آن انداخته بیندازد و دوباره جمره بعد از آن را رمی کند ، واجبات دیگر رمی در اعمال منی گفته شد .

(مسأله ۱۳۶) اگر در مکه یادش بیاید که رمی نکرده باید به منی برگردد و رمی کند و اگر بعد از بیرون رفتن از مکه یادش بیاید باید در سال بعد خودش به منی برود و رمی کند یادگیری را نایب بگیرد که رمی نماید .

(مسأله ۱۳۷) اگر مریض نا امید باشد که بتواند در وقتی که بر او واجب است رمی کند ، در صورتی که ممکن باشد ، باید سنگ را بدست بگیرد و دیگری بیندازد و اگر ممکن نباشد ، باید برای رمی نایب بگیرد و چنانچه موقعی خوب شود که وقت رمی نگذشته باشد احتیاط مستحب آن است که خودش هم رمی نماید .

(مسأله ۱۳۸) اگر کسی عمداً رمی نکند حج او باطل نمی شود اگر چه احتیاط مستحب آنست که در سال بعد دوباره به حج رود .

(مسأله ۱۳۹) انسان نمی تواند برای روز گذشته یا برای روز بعد در شب رمی کند ، ولی اگر در روز نتواند رمی کند جایز است در شب آن روز رمی نماید .

(مسأله ۱۴۰) اگر رمی یک روز را فراموش کند و فردای آن یادش بیاید باید اول برای روز گذشته رمی نماید بعد مشغول رمی آن روز شود .

(مسأله ۱۴۱) کسی که حج میکند اگر کفاره ای بر او واجب شود ، باید آن را به

فقیر صدقه بدهد ، ولی اگر آن کفاره حیوان باشد ، باید به نیت کفاره آن را سر ببرد و بعد به فقیر تصدق نماید .

## مستحبات طواف زیارت

۱ بعد از رمی و قربانی و تقصیر در روز عید از منی به مکه برگردد و اگر ممکن نیست روز یازدهم وارد مکه شود .

۲ غسل کند و در حالی که مشغول تعظیم و ذکر خداوند عالم است ، بطرف مسجد الحرام برود و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد .

۳ موقعی که بدر مسجد میرسد این دعا را بخواند :

« اللَّهُمَّ اعْنِي عَلَى نُسُكِي وَسَيِّئِنِي لَهُ وَسَيِّئِمْنِي لَهُ وَسَيِّئِمْنِي لَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْعَلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي وَأَنْ تُزَجِّعَنِي بِحَاجَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَأَوْمُ طَاعَتِكَ مُتَّبِعًا لَأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ مَسْئَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ الْمُطِيعِ لَأَمْرِكَ الْمُشْفِقُ مِنْ عَذَابِكَ الْخَائِفُ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تَبْلُغَنِي عَفْوَكَ وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ » .

۴ بعد از تمام شدن دعا دست به حجر الاسود بمالد و آنرا ببوسد .

مستحبات منی بعد از برگشتن از مکه

۱ بعد از آن که وارد منی شد بگوید :

« اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسَلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَيَنْعَمَ الرَّبُّ وَنِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ » .

۲ روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از منی بیرون نرود .

۳ موقعی که جمره اولی و وسطی را رمی می کند طرف راست آنها بایستد و رو به قبله کند و در رمی جمره عقبه روبروی آن بایستد و پشت بقبله نماید

۴ در موقع رمی تکبیر بگوید و حمد ثنای الهی نماید و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد بعد قدری جلو رود و دعا کند و بگوید :

« اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي »

پس از آن قدری جلوتر رود و دعائی را که روز دهم در وقت رمی می خواند بخواند .

۵ موقع رمی باطهارت باشد و سنگ را روی شست بگذارد و باناخن انگشت پهلوی شست پرتاب کند .

۶ در منی گفتن تکبیر را ترک نکند .

۷ در منی بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز دهم و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم است بگوید :

« اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَيْنا وَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَوْلنا وَرَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ »

۸ اگر روز دوازدهم از منی حرکت میکند بیست و یک سنگ ریزه در آنجا دفن نماید .

۹ در روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بخواند ، روایت شده است که اگر کسی پیش از بیرون رفتن از منی صد رکعت نماز در مسجد بخواند ، ثواب هفتاد سال عبادت برای او مینویسند ، و هر کس صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید مثل آنستکه یک بنده در راه خدا آزاد کرده و کسی که صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید مثل آنست که کسی را از مرگ نجات داده و هر که صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید مثل کسی است که به اندازه خراج عراقین در راه خدا انفاق کرده باشد .

۱۰ پیش از بیرون رفتن از منی شش رکعت نماز در مسجد خیف بخواند .

### طواف وداع و سایر مستحبات

اگر طواف واجب و سعی را بجا آورده مستحب است برای طواف وداع به مکه برگردد روایت شده است :

کسی که داخل خانه میشود داخل رحمت خداوند عالم شده است و وقتی بیرون می آید از گناهان آزاد میشود و خداوند

او را از گناهان آینده حفظ مینماید .

باپای برهنه داخل خانه شود وپیش از داخل شدن غسل کند وهر دو حلقه در را بگیرد وبگوید :

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَقَدْ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ» وبعد از داخل شدن بگوید:

« اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا اللَّهُمَّ فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ عَذَابِ النَّارِ »

بعد از آن میان دو ستون روی سنگ سرخ دو رکعت نماز بخواند ودر رکعت اول بعد از حمد سوره حم سجده ودر رکعت دوم بعد از حمد پنجاه وچهار آیه از جاهای دیگر قرآن بخواند ودر گوشه های خانه کعبه هم نماز بخواند بعد از آن شکم خود را به رکنی که حجر الاسود در آنجا است بمالد بعد دور ستون بگردد وشکم وپشت خود را به آن ستون بمالد وموقع بیرون آمدن نردبان را به دست چپ بگیرد ونزدیک کعبه دو رکعت نماز بخواند .

مستحب است زیاد طواف کند برای کسی که حج میکند ثوابش از نماز مستحبی بیشتر است وطواف کردن به نیت چهارده معصوم (علیهم السلام) ومؤمنین ثواب زیاد دارد .

مستحب است سیصد وشصت مرتبه واگر نتواند پنجاه ودو مرتبه طواف کند ، (هر طوافی هفت دور است) .

مستحب است در مکه معظمه یک قرآن ختم نماید ومحل تولد پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) رازیارت کند وبه منزل خدیجه وبه غاری که در کوه حراء است وحضرت رسول (صلی الله علیه وآله) در انجا عبادت میکردند وبه غاری که در کوه ثور است وحضرت در آنجا مخفی شدند برود ونیز مستحب است قبر ابو طالب را زیارت کند .

ومستحب است موقع

بیرون آمدن از مکه غسل کند وطواف وداع را بجا آورد ودر هر دوری دست یابدن را به حجر الاسود و رکن یمانی برساند و موقعی که به مستحار میرسد دعاهای سابق را بخواند بعد از آن شکم خود را به خانه بمالد ویک دست به حجر الاسود بگذارد و دست دیگر را به خانه بگشاید و حمد و ثنای الهی نماید و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد ، و مستحب است از دری که مقابل رکن شامی است بیرون رود و در موقع بیرون رفتن تصمیم بگیرد که باز هم به زیارت مکه برود و از خداوند عالم توفیق و برگشتن بخواهد و در وقت بیرون آمدن از مکه برای آن که مبادا در حال احرام کاری را که بر او حرام بوده انجام داده باشد ۶/۱۲ نخود نقره خرما بخرد و صدقه بدهد و بسیار سفارش شده است که بعد از مراجعت از مکه برای زیارت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه بقیع (ع) به مدینه برود و در خبر است که اگر کسی بعد از حج پیغمبر را زیارت نکند بر آن حضرت جفا کرده است و دستور زیارت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه بقیع (ع) و حضرت زهرا سلام الله علیها در کتابهای دعا ذکر شده است .

### ملحقات

بدان که مستحب است برای کسی که در مکه می ماند اتیان به عمره مفرده و در اعتبار فاصله میانه آن و عمره که پیش بجا آورده اختلاف کرده اند .

جمع کثیری از علماء بر آنند که احتیاج به فاصله ندارد و جمعی لازم دانسته اند فاصله یک ماه و بعضی یکسال را و بعضی کافی دانسته اند فاصله ده روز را و اقوی آن است که برای هر ماه یک عمره

می باشد .

واحرام عمره مفرده از اقرب اطراف حرم است بمکه معظمه والاین معروف است وبعد از احرام طواف ونماز آن سعی وتقصیر میکنند وهمه چیز از برای او حلال میشود مگر زن وچون طواف نساء را که در عمره مفرده لازم است بجا آورد زن نیزبر او حلال می شود .

## بقیه اعمال عرفه

### قسمت اول

#### اشاره

۱- قراءه دعاء النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) الذی علمه علیاً (ع) قائلًا له : إنه دعاء من کان قبلی من الانبیاء ، رواه الامام أبو عبد الله الصادق (ع) وهو

« لا- إله إلا الله وحده لا شريك له ، له الملك وله الحمد ، يحيى ويميت ويحيى وهو حي لا يموت بيده الخير وهو على كل شيء قدير . اللهم لك الحمد كما تقول وخير ما تقول وفوق ما يقول القائلون . اللهم لك صلاتي ونسبي وذمتي ومحياتي ومماتي ، ولك ثرائي وبك حوли ومنك قوتي . اللهم إني أعوذ بك من الفقر وسوس الصدور (الصدر خ ل) ومن شتات الامر ومن عذاب القبر ، اللهم إني أسألك خير الرياح ، وأسألك خير الليل والنهار . اللهم اجعل لي في قلبي نوراً ، وفي سمعي وبصري نوراً ، وفي لحمي وعظامي ودمي وعزوقي ومقعدى ومقامى ومدخلى ومخرجى نوراً ، وأعظم لي نوراً ياربى يوم ألقاك إنك على كل شيء قدير » .

۲- قراءه دعاء الحسين عليه السلام المعروف بدعاء عرفه الذى يرويه بشر وبشير أبنا غالب قالوا : حضرنا عرفه بخدمه الحسين عليه السلام ، وقد خرج من الخيمه ومعه أهل بيته وأولاده وشيعته ، ووقف على قدميه فى ميسره الجبل تحت السماء ، رافعاً يديه بحذاء وجهه خاشعاً متذللاً



فقال (عليه السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« الْحَمِيدُ اللَّهُ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ ، وَلَا كَصَيْعِنِيعِهِ صَانِعٌ ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبِدَائِعِ ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّيْنَانِعَ ، لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ ، وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ ( أتى بِالْكِتَابِ الْجَامِعِ ، وَبَشَرَعَ الْإِسْلَامَ النُّورَ السَّاطِعَ ، وَاللَّخْلِيْقَهُ صَانِعٌ ، وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْفَجَائِعِ خ ل ) ، جَازَى كُلَّ صَانِعٍ ، وَرَائِشُ كُلِّ قَانِعٍ ، وَرَاحِمُ كُلِّ ضَارِعٍ ، مُنْزِلُ الْمَنَافِعِ ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ ، وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ ، وَلِلدُّرَجَاتِ رَافِعٌ ، وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ ، وَلَا شَيْءَ يَغْدِلُهُ ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ، اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » .

« اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْغَبُ إِلَيْكَ ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ مُقَرَّاً بِأَنَّكَ رَبِّي ، وَأَنَّ إِلَيْكَ مَرْدِي ، ائْتَدَاتَنِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئاً مَذْكُوراً ، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ، ثُمَّ أَسَكَّنْتَنِي الْاِضْلاَبُ ، آمِناً لِرَيْبِ الْمُنُونِ ، وَاخْتِلاَفِ الدُّهُورِ وَالسَّنِينِ ، فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِناً مِنْ صُلْبِ اِلَى رَحْمٍ فِي تَقَادُمِ مِنَ الْاَيَّامِ الْمَاضِيَةِ ، وَالقُرُونِ الْخَالِيَةِ ، لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَلُطْفِكَ لِي وَاحْسَانِكَ اِلَى فِي دَوْلِهِ ائِمَّةِ الْكُفْرِ الَّذِيْنَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ ، لَكِنَّكَ اَخْرَجْتَنِي رَافَهُ مِنْكَ وَتَحَنُّناً عَلَيَّ لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ اَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكْ رُوْفَتْ بِي بِجَمِيْلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِقِ نِعْمَتِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِيْ وَاسِيَكْتَنِي فِي ظُلْمَاتِ ثَلَاثِ بَيْنَ لِحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ تُشْهَدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلْ اِلَى شَيْئاً مِنْ اَمْرِي ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى اِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً ،

وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً صَبِيًّا ، وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا ، وَعَظَمْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَيَاضِ ، وَكَفَلْتَنِي الْأَمَهَاتِ الرُّوَاحِمَ ، وَكَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ ، حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ ، أَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ ، وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي ، وَاعْتَدَلَتْ مَرَّتِي ، أُوجِبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ ، بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ فِطْرَتِكَ ( حِكْمَتِكَ خ ل ) وَأَيَّقَطْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَيَدَائِعِ خَلْقِكَ ، وَتَبَهَّتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ ، وَأُوجِبْتَ عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتَكَ ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَطُفِكَ .

« ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى ( حَرَّ الثَّرَى خ ل ) لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى ، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ ، وَصَيَّرْتَنِي الرِّيشَ ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ ، وَاحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ ، حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ ، وَصَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ ، أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ ، وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي ، وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي ، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي ، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي ، كُلُّ ذَلِكَ إِكْمَالٌ لَا يُنْقِصُ عَلَيَّ ، وَاحْسَانٌ يَكْتُبُكَ إِلَيَّ ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِي مُعِينٍ ، حَمِيدٍ مَجِيدٍ ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ ، وَعَظَمَتْ آلَاؤُكَ ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عَدَدًا وَذِكْرًا ، أَمْ أَيُّ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا ، وَهِيَ يَارَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيهَا الْعَادُّونَ ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ . »

« ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَذَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنْ

الضَّرِّ وَالضَّرَاءِ أَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرِّاءِ ، وَأَنَا أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِحَقِّقِهِ إِيمَانِي ، وَعَقْدِ عَزَمَاتِي يَقِينِي ، وَخَالِصِ صَدْرِيحِ تَوْحِيدِي ، وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي ، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي ، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي ، وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي ، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عَزِينِي ، وَمَسَارِبِ سِتْمَاخِ سَمْعِي ، وَمَاضِئَاتِ وَأَطْبَقَاتِ عَلَيْهِ شَفْتَايَ ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي ، وَمَعْرُزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي ، أَوْ مَنَابِتِ أَضْرَاسِي ، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي ، وَحِمَالِهِ أُمَّ رَأْسِي ، وَبُلُوغِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي ، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ ثَامُورُ صَدْرِي ، وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي ، وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي ، وَأَفْلَازِ حَوَاشِي كَبِدِي ، وَمَا حَوَّثَهُ شِرَاسِيئُفُ أَضْلَاعِي ، وَحِقَافِ مَفَاصِلِي ، وَفَبْضِ عِيَوَامِلِي ، وَأَطْرَافِ أَنَامِلِي ، وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي ، وَبَشْرِي وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ حِيَوَارِحِي ، وَمَا انْتَسَجَ عَلَى ذَلِكِ أَيَّامِ رِضَاعِي ، وَمَا أَقْلَتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقْظَتِي وَسَيْكُونِي ، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي ، أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُؤَدِّي شُكْرَ وَاحِدِهِ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتِطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا جَدِيدًا ، وَثَنَاءً طَارِقًا عَثِيدًا .

« أَجَلٌ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنَامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مِدَى أَنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا حَصَيْتُ زُنَاهُ عَدَدًا ، وَلَا أَحْصَيْتُ بِنَاهُ أَمَدًا . هَيْهَاتَ أَنِي ذَلِكُ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ ، وَالنَّبَأُ الصَّادِقِ «وَأَنْ تَعِيدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا» صِدْقَ كِتَابِكَ اللَّهُمَّ وَأَنْبِئُوكَ ، وَبَلِّغْ أَنْبِئُوكَ وَرُسُلِكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ ، وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ ، غَيْرَ أَنِّي يَا إِلَهِي أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي ، وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي ، وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونَ مَورُوثًا ، وَلَمْ يَكُنْ

لَهُ شَرِيكَ فِي الْمُلْكِ فَيُضَادُّهُ فِيمَا أَبْتَدَعَ ، وَلَا وَلِيَّ مِنَ الدَّلِّ فِيمَا صَدَعَ ، فَسُبْحَانَهُ سُبْحَانَهُ «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»  
وَتَفَطَّرَتَا ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ الْوَاحِدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ  
الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلَّمَ .

ثم طفق يسأل الله تعالى ، واهتم في الدعاء وهو يبكي فقال :

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْشَاكَ كَأَنِّي أُرَاكَ ، وَأَسْهِدْنِي بِتَقْوَاكَ ، وَلَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ ، وَخِزْلِي فِي قَضَائِكَ ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ ،  
حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ . »

« اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي ، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي ، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي ، وَالنُّورَ فِي بَصِيرِي ، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي ، وَمَتَّعْنِي  
بِجَوَارِحِي ، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي ، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَارِبِي ، وَأَقِرِّ بِذَلِكَ عَيْنِي . اللَّهُمَّ  
اكْشِفْ كُرْبَتِي ، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي ، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي ، وَأَخْسِأْ شَيْطَانِي ، وَفُكِّ رِهَانِي ، وَاجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ  
وَالْأُولَى . »

« اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا ، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا ، رَحْمَةً بِي وَقَدْ كُنْتُ عَنْ  
خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي ، رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي ، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي عَافَيْتَنِي ، رَبِّ بِمَا  
كَلَّمْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي ، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَيِّئْ لِي ، رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَيِّئَتِي ، رَبِّ بِمَا  
أَغْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي ، رَبِّ بِمَا

أَعْتَنِي وَأَعَزَّنِي ، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي ، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ ، وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ ، وَنَجِّنِي مِنْ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ ، وَأَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ .

« اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَمَا كَفِنِي ، وَمَا أَحْذَرُ فَعِنِّي ، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَاحْرُسْنِي ، وَفِي سَفَرِي فَاحْفَظْنِي ، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي فَاحْلُفْنِي ، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي ، وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي ، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي ، وَبِذُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي ، وَبِسِرِّي فَلَا تُخْرِجْنِي ، وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي ، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي ، وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي . »

« إِلَهِي إِلَى مَنْ تَكِلْنِي ، إِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي ، أَمْ إِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي ، أَمْ إِلَى الْمُسْتَضْعِفِينَ لِي وَأَنْتَ رَبِّي ، وَمَلِيكَ أَمْرِي ، أَشْكُو إِلَيْكَ غُرْبَتِي ، وَبُعْدَ دَارِي وَهَوَانِي عَلَى مَنْ مَلَكَتَهُ أَمْرِي . »

« إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي سِوَاكَ ، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنْ عَافَيْتَكَ أَوْسَعُ لِي ، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَأَنْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ ، وَصَيَّلَحَ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى غَضَبِكَ ، وَلَا تُنْزِلَ بِي سَيْخَطَكَ ، لَمَكَ الْعُتْبَى لَمَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ، الَّذِي أَحْلَلْتَهُ الْبَرَكَهَ وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا . »

« يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ ، يَا مَنْ أَسْبَغَ النِّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ ، يَا عِدَّتِي فِي شِدَّتِي ، يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي ،

ياغيثي في كرتي ، يا وليي في نعمتي ، يا إلهي وإله أبائي إبراهيم وإسماعيل وإسحاق ويعقوب ، ورب جبرئيل وميكائيل وإسرافيل ، ورب محمد خاتم النبيين وإله المنتهين ، ومُنزِل التوراه والإنجيل ، والزبور والفرقان ، ومُنزِل كهيعص وطه ويس والقرآن الحكيم ، أنت كهفي حين تُعيني المذاهب في سبعتها ، وتضيق بي الأرض برحيتها ، ولولا- رحمتك لكنت من الهالكين وأنت مُقيل عثرتي ، ولولا- سترك إياي لكنت من المفضوحين وأنت مؤيدي بالنصر على أعدائي ، ولولا- نصرتك إياي لكنت من المغلوبين .

« يا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالشُّمُوِّ وَالرِّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ الْمِدْلَةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ، وَغَيْبَ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ ، يَا مَنْ لَهُ الْأَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ ، يَا إِذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَيْدَاءُ ، يَا مُقَيِّضَ الرِّكَبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُوبَةِ مَلِكًا ، يَا رَادَّةَ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى عَنْ أَيُّوبَ ، وَمُمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ الذَّبْحِ إِنَّهُ بَعْدَ كِبَرِ سِنِّهِ وَفَنَاءِ عُمُرِهِ ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِرُكْرِيَا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَلَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا ، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ ، يَا مَنْ أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ، يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلَى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ

طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَا فِي نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ ، وَقَدْ حَادَوْهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ .

« يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا بِيَدَيْهِ يَبْدِئُ لَأَنْدُ لَكَ ، يَادَائِمًا لَأَنْفَادَ لَكَ ، يَا حَيًّا حِينَ لَأَحْيَى ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى ، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي ، وَعَظُمَتْ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي ، وَرَأَى عَلَيَّ الْمَعَاصِيَ فَلَمْ يَشْهُرْنِي ، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي ، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي ، يَا مَنْ أَيَادِيهِ عِنْدِي لِأَتُحْصِيَ ، وَنِعْمَهُ لِأَتُجَازِيَ ، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ ، وَعَارَضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ ، يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي ، وَعُزِيَانًا فَكَسَانِي ، وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي ، وَعَطْشَانًا فَأَرَوَانِي ، وَذَلِيلًا فَأَعَزَّنِي ، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي ، وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي ، وَغَائِبًا فَوَدَّدَنِي ، وَمُقِلًّا فَأَغْنَانِي ، وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَنِي ، وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي ، وَأَمْسِيكَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي ، فَلَمَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي ، وَنَفَّسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ ذُنُوبِي ، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي ، وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ وَمِنَّكَ وَكَرَائِمَ مَنَحِكَ لِأُحْصِيهَا . »

« يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَنْعَمْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَعْيَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي آوَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي عَصَيْمْتَ ، أَنْتَ الَّذِي سَيَّرْتَ ، أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي

أَعَزَّزْتُ ، أَنْتَ الَّذِي أَقَلَّتْ ، أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ ، أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ ، أَنْتَ الَّذِي أَيْدَيْتَ ، أَنْتَ الَّذِي نَصَّيْرْتَ ، أَنْتَ الَّذِي شَفَّيْتِ ، أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتِ ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا ، وَلَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا .

« ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي ، أَنَا الَّذِي أَسَأْتُ ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ ، أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ ، أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ ، أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ ، أَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ ، أَنَا الَّذِي نَكَنْتُ ، أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ ، أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاغْفِرْهَا لِي ، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ ، وَالْمَوْفُوقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي . »

« إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ ، وَنَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ ، فَأَصْبَحْتُ لِذَا بَرَاءَهُ لِي فَاعْتَدِرْ ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ ، فَبَأَى شَيْءٌ أَسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ ، أَسْمِعْ مَعِيَ ، أَمْ يَبْصُرِي أَمْ يَلِسَانِي أَمْ يَبِيْدِي أَمْ بِرِجْلِي ، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتِكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ ، فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ ، يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي ، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي ، وَمِنَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يُعَاقِبُونِي ، وَلَوْ اِطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي مَا أَنْظَرُونِي ، وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي . »

## قسمت دوم

« فَهَذَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَسِيرٌ حَقِيرٌ ، لِأَذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَدِرْ ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ ، وَلَا ذُو حُجَّةٍ فَاحْتَجُّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ ، وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا ، وَمَا عَسَى



الْجُحُودُ وَلَوْ جَحَيْدَتْ يَامَوْلَايَ يَنْفَعُنِي ، كَيْفَ ، وَأَنْتَى ذَلِمَتِكَ وَجَوَارِحِي كُلَّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمَلْتُ ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ ، وَأَنَّكَ الْحَكَمُ ( الْحَكِيمُ خ ل ) الْعَيْدُ الَّذِي لَا تَجُورُ ، وَعَيْدُكَ مُهْلِكِي ، وَمِنْ كُلِّ عَيْدِكَ مَهْرَبِي ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ ، وَإِنْ تَعَفُّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ .

« لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُوَحَّدِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلَلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ السَّائِلِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَبِحِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبَرِينَ ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأُولِينَ .

« اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا ، وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا ، وَاقْرَارِي بِآلَائِكَ مُعَدِّدًا ، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أُحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوحِهَا وَتَظَاهُرِهَا وَتَفَادُؤِهَا إِلَى حَادِثِ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِعْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشْفِ الضَّرِّ وَتَسْيِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكَرْبِ وَالْعَافِيَةِ فِي الْبِدَنِ وَالسَّلَامَةِ فِي الدِّينِ ، وَلَوْ رَهَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَّرْتُ ، وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ .

« تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ

عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكَ ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَتِمِّمْ عَلَيْنَا نِعَمَكَ ،  
وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ .

« اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ ، وَتَكْشِفُ الشُّوَاءَ ، وَتُغِيثُ الْمَكْرُوبَ ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ ، وَتُغْنِي الْفَقِيرَ ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ ، وَتَرْحَمُ  
الصَّغِيرَ ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ، يَأْمُلِقُ الْمَكْبَلِ الْأَسِيرَ ، يَارَازِقُ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ ،  
يَاعِصِمَهُ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرَ ، يَأْمَنُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَلَا- وَزِيرَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَعْطِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا  
أَعْطَيْتَ وَأَنْلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُوَلِّئُهَا ، وَآلَاءَ تُجَدِّدُهَا ، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا ، وَكُرْبَةٍ تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا ، وَحَسَنَةٍ تَقْبَلُهَا ،  
وَسَيِّئَةٍ تَتَعَمَّدُهَا ، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

« اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَا ، وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى ، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ يَارَحْمَانَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ،  
لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ ، وَلَا- سِوَاكَ مَأْمُولٌ ، دَعَوْتُكَ فَأَجِبْتَنِي ، وَسَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي ، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي ، وَوَدَّعْتُ بِكَ  
فَنَجَّيْتَنِي ، وَفَزَعْتُ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي .

« اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاءَكَ وَهَيِّئْ لَنَا عَطَاءَكَ ،  
وَاجْعَلْ لَكَ شَاكِرِينَ وَلَا لَائِكَ ذَاكِرِينَ ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ .

« اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ ، وَقَدَرَ فَقْهَرَ ، وَعَصَى فَسْتَرَ ، وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ ، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ ، وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ ، يَا مَنْ أَحَاطَ  
بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا .

« اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِ رَّبِّكَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ » .

« اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِذَلِكَ مِنْكَ ، يَا عَظِيمُ فَصِّلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الْمُنتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا ، فَالِيكَ عَجَبُ الْأَصْوَاتِ بِصُنُوفِ اللُّغَاتِ ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا ، وَبَرَكَهَ تُنْزِلُهَا وَعَافِيهَ تُجَلِّلُهَا ، وَرِزْقَ تَبْسُطُهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ » .

« اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ ، مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ ، وَلَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تَحْرِمْنَا مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ فَضْلِكَ ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ ، وَلَا لِفَضْلِ مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ ، وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ ، وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ ، وَآكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مُوقِنِينَ ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ ، فَأَعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا ، وَآكْمِلْ حَاجَتَنَا ، وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا ، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا ، فَهِيَ بِذَلِكَ الْاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ » .

« اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ ، وَآكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ ، فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ ، عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ ، إِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ ، وَأَجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ » .

« اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ ، وَكَرِيمِ الذُّخْرِ ، وَدَوَامِ الْيُسْرِ ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ ، وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ ، وَلَا تُنْصِرْ »

عَنَا رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّحِيمِينَ .

« اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ ، وَشَكَرَكَ فِزِدْتَهُ ، وَتَابَ إِلَيْكَ فَقَبِلْتَهُ ، وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ . »

« اللَّهُمَّ وَوَفَّقْنَا وَسَدَّدْنَا ( وَأَعْصَمْنَا خ ل ) وَاقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ ، يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ إِغْمَاضُ الْجُفُونِ ، وَلَا لَحْظُ الْعُيُونِ ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ ، وَلَا مَا نَطَوَتْ عَلَيْهِ مُضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ ، أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ أَحْصَاهُ عِلْمُكَ ، وَوَسَّعَهُ حِلْمُكَ ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلَواً كَبِيراً ، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ ، فَلَمَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْحَيْدِ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ ، وَالْأَيْدِي الْجِسَامِ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ . »

« اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ ، وَعَافِنِي فِي يَدَيَّ وَدِينِي ، وَآمِنْ خَوْفِي ، وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، اللَّهُمَّ لَا تَمُكَّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي ، وَأَدْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ . »

ثم رفع عليه السلام طرفه الى السماء ودموعه تجرى على خديه ورفع صوته عالياً :

« يَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَآلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينَ ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي ، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي ، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا رَبُّ يَا رَبُّ . »

ولم يزل يقول «يارب» حتى ضجَّ الجميع بالبكاء على بكائه عليه السلام حتى وصلوا

وزاد ابن طاووس في الاقبال بعد كلمه يارب هذا الدعاء .

« إلهي أنا الفقير في غناي فكيف لا أكون فقيراً في فقري ، إلهي أنا الجاهل في علمي فكيف لا أكون جهولاً في جهلي ، إلهي إن اختلاف تدبيرك وسيرته طواء مقاديرك منعا عبادك العارفين بك عن السكون إلى عطاء ، واليأس منك في بلاء ، إلهي مني ما يليق بلؤمي ، ومنك ما يليق بكرمك ، إلهي وصفت نفسك باللطف والرافة لي قبل وجود ضعفي ، أفتمنعني منهما بعد وجود ضعفي إلهي إن ظهرت المحاسن مني فبفضلك ولك المنه علي ، وإن ظهرت المساوي مني فبإدلك ولك الحجة علي ، إلهي كيف تكلني وقد تكلفت لي ( توكلت خ ل ) وكيف أضام وأنت الناصر لي ، أم كيف أخيب وأنت الحفي بي ، ها أنا أتوسل إليك بفقري إليك ، وكيف أتوسل إليك بما هو محال أن يصل إليك ، أم كيف أشكو إليك حالي وهو لا يخفى عليك ، أم كيف أترجم بمقالي وهو منك برز إليك ، أم كيف تحيب آمالي وهي قد وفدت إليك ، أم كيف لا تحسن أحوالي وبك قامت ، إلهي ما أظفك بي مع عظيم جهلي ، وما أرحمك بي مع قبيح فعلي ، إلهي ما أقربك مني وأبعدني عنك وما أرافك بي ، فما الذي يحجبنى عنك ، إلهي علمت باختلاف الآثار وتنقلات الاطوار أن مرادك مني أن تتعرف إلي في كل شيء حتى لا أجهلك في شيء . إلهي كلما أخرسني لؤمي أنطقني كرمك ، وكلما آيسنتني أوصافي أطمعنتني منك . إلهي من كانت محاسنه مساوي فكيف لا تكون مساوئه مساوي ، ومن كانت حقائقه دعاوي فكيف لا تكون دعاويه دعاوي . إلهي

حُكْمِيكَ النَّافِذُ وَمَشِيئَتِكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَا لِتَدِي مَقَالَ مَقَالًا وَلَا لِتَدِي حَالَ حَالًا . إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتَهَا وَحَالَهُ شَيْدَتْهَا هَيْدَمَ  
اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَيْدُكَ بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ . إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدُمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَعَزْمًا .  
إِلَهِي كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ ، وَكَيْفَ لَأَعَزِّمُ وَأَنْتَ الْأَمِيرُ . إِلَهِي تَرَدُّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِحِدْمَةٍ  
تُوصِلُنِي إِلَيْكَ ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ ، أَيْكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ  
المُظْهِرَ لِمَكَ ، مَتَى غَبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ ، وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ ، عَمِيثٌ عَيْنُ  
لَا تَرَكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا ، وَخَسِرَتْ صَفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا . إِلَهِي أَمَرْتُ بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأَثَارِ ، فَأَرْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ  
الْأَنْوَارِ وَهَدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ ، حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٌ السِّرِّ عَنِ النَّظَرِ إِلَيْهَا ، وَمَرْفُوعٌ الْهَمِّ عَنِ الْاعْتِمَادِ  
عَلَيْهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . إِلَهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ ، أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ ،  
وَبِكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ . إِلَهِي عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْرُوجِ ، وَصَيَّنِي  
بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ . إِلَهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ ، وَاسْلُكْ بِي مَسِيلَكَ أَهْلِ الْحَزَبِ . إِلَهِي أَعْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي ،  
وَبِاخْتِيَارِكَ عَنْ اخْتِيَارِي ، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِزِ اضْطِرَارِي . إِلَهِي أَخْرَجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي ، وَطَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ  
رَمْسِي ، بِكَ أَنْتَصِرُ فَانصُرْنِي ، وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ

فَلا- تَكَلْنِي ، وَإِيَّاكَ أَسْأَلُ فَلا- تُخَيِّبْنِي ، وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلا- تَحْرِمْنِي ، وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلا- تُبْعِدْنِي ، وَبِبَابِكَ أَقِفُ فَلا- تَطْرُدْنِي .»

« إلهي تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ تَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ ، فَكَيْفَ تَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي . إلهي أَنْتَ الْعَيْبِيُّ بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَيْبًا عَنِّي . إلهي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمَيِّنِي ، وَإِنَّ الْهَوَى بَوَائِقِ الشَّهْوَةِ أَسْرَرَنِي ، فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَتُبْصِرَنِي ، وَأَعْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِي بِكَ عَنْ طَلْبِي ، أَنْتَ الَّذِي أَشْرَقَتِ الْأَنْوَارُ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ ، وَأَنْتَ الَّذِي أَزَلَّتِ الْأَغْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّاءِكَ حَتَّى لَمْ يُجِبُوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى غَيْرِكَ ، أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ ، لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا ، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلاً ، كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَاقَطَعَتِ الْإِحْسَانَ ، وَكَيْفَ يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلَتْ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ . يَأْمَنُ أَذَاقُ أَحِبَّاءِهِ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ ، يَأْمَنُ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ ، وَأَنْتَ الْبَادِيءُ بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ . إلهي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ ، وَاجْذِبْنِي بِمَنَّكَ حَتَّى أُقْبَلَ عَلَيْكَ . إلهي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ ، وَقَدْ أَوْقَعْنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ . إلهي كَيْفَ

أَخِيْبُ وَأَنْتَ أَمَلِي ، أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَكَلِّي . إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلِيلِ أَرْكَزْتَنِي ، أَمْ كَيْفَ لَأَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي . إِلَهِي كَيْفَ لَأَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي ، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَغْنَيْتَنِي ، وَأَنْتَ الَّذِي لِإِلَهٍ غَيْرِكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكَ شَيْءٌ ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ . يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَاتِهِ فَصَارَ العَرْشُ غِيَابًا فِي ذَاتِهِ ، مَحَقَّتْ الأَثَارَ بِالأَثَارِ ، وَمَحَوَتِ الأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفلاكِ الأَنْوَارِ . يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ أَنْ تُدْرِكَهُ الأَبْصَارُ ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ مِنَ الأَسْتِوَاءِ ، كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ ، أَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الحَاضِرُ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ .

٣ - قراءه سائر الادعيه المأثوره عن المعصومين عليهم السلام ، وعلى الاخص دعاء الامام زين العابدين عليه السلام المدون في الصحيفه الكامله السجاديه ، وإتماماً للفائده التي توخيناها في هذا الكتاب إليك نص الدعاء :

« الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اَللّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِدِيَعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، رَبِّ الأَرْبَابِ ، وَإِلَهَ كُلِّ مَالُوهِ ، وَخَالِقِ كُلِّ مَخْلُوقٍ ، وَوَارِثِ كُلِّ شَيْءٍ ، لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ، وَلَا يَعْزُبُ عَنْهُ شَيْءٌ ، وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبٌ » .

« أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْمُتَوَحِّدُ الْفَرْدُ الْمُتَفَرِّدُ ، وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَكَرِّمُ الْعَظِيمُ الْمُتَعَظَّمُ الْكَبِيرُ الْمُتَكَبِّرُ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْمُتَعَالِ الشَّدِيدُ الْمَحَالِ ، أَنْتَ اللهُ لَا إِلَهَ



إِلَّا أَنْتَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيمُ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْقَدِيمُ الْخَبِيرُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْكَرِيمُ الْأَكْرَمُ الدَّائِمُ الْأَدْوَمُ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ أَحَدٍ وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ عَدَدٍ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الدَّانِي فِي عُلُوِّهِ وَالْعَالِي فِي دُنُوِّهِ ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَرْبَاءِ وَالْحَمْدِ . أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الَّذِي أَنْشَأْتَ الْأَشْيَاءَ مِنْ غَيْرِ سَبْخٍ ، وَصَوَّرْتَ مَا صَوَّرْتَ مِنْ غَيْرِ مِثَالٍ ، وَابْتَدَعْتَ الْمُبْتَدَعَاتِ بِلَا احْتِذَاءٍ . أَنْتَ أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا ، وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا ، وَدَبَّرْتَ مَا دُونَكَ تَدْبِيرًا . أَنْتَ الَّذِي لَمْ يُعْنِكَ عَلَى خَلْقِكَ شَرِيكَ ، وَلَمْ يُوَازِلْكَ فِي أَمْرِكَ وَزَيْرٍ ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ مُشَابِهٌ وَلَا نَظِيرٌ . أَنْتَ الَّذِي أَرَدْتَ فَكَانَ حَتْمًا مَا أَرَدْتَ وَقَضَيْتَ فَكَانَ عَدْلًا مَا قَضَيْتَ ، وَحَكَمْتَ فَكَانَ نِصْفًا مَا حَكَمْتَ . أَنْتَ الَّذِي لَا يَحْوِيكَ مَكَانٌ ، وَلَمْ يَقُمْ لِسُلْطَانِكَ سُلْطَانٌ ، وَلَمْ يُعِيكَ بُرْهَانٌ وَلَا بَيَانٌ . أَنْتَ الَّذِي أَحْصَيْتَ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ، وَجَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا ، وَقَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا . أَنْتَ الَّذِي قَصَّرْتَ الْأَبْصَارُ مَوْضِعَ أَيْتِيكَ . أَنْتَ الَّذِي لَا تُحِيدُ فَتُكُونُ مَحْدُودًا ، وَلَمْ تُمَثِّلْ فَتُكُونُ مَوْجُودًا ، وَلَمْ تَلِدْ فَتُكُونُ مَوْلُودًا أَنْتَ الَّذِي لَا ضِدَّ مَعَكَ فَيُعَانِدُكَ ، وَلَا عَدْلَ لَكَ فَيُكَاثِرُكَ ، وَلَا نِدًّا لَكَ فَيُعَارِضُكَ . أَنْتَ الَّذِي ابْتَدَأَ وَاخْتَرَعَ وَاسْتَحْدَثَ وَابْتَدَعَ وَاحْسَنَ صُنْعَ مَا صَنَعَ .

### قسمت سوم

« سُبْحَانَكَ مَا أَجَلَ شَأْنِكَ ، وَأَسْنَى فِي الْأَمَاكِنِ مَكَانِكَ ، وَأَصْدَعَ بِالْحَقِّ فُرْقَانَكَ .

سُبْحَانَكَ مِنْ لَطِيفِ مَا أَلْطَفَكَ ، وَرَوْفِ مَا أَرَأَفَكَ ، وَحَكِيمِ مَا أَعَزَّفَكَ . سُبْحَانَكَ مِنْ مَلِيكَ مَا أَمْنَعَكَ ، وَجَوَادِ مَا أَوْسَعَكَ ، وَرَفِيعِ مَا أَرْفَعَكَ ، ذُو الْبَهَاءِ وَالْمَجْدِ وَالْكَبْرِيَاءِ وَالْحَمْدِ . سُبْحَانَكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ ، وَعَرَفْتَ الْهِدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ بَسَّطْتَ بِالْخَيْرَاتِ يَدَكَ ، وَعَرَفْتَ الْهِدَايَةَ مِنْ عِنْدِكَ ، فَمَنْ التَّمَسَّكَ لَدِينِ أَوْ دُنْيَا وَجَدَكَ . سُبْحَانَكَ خَضَعَ لَكَ مَنْ جَرَى فِي عِلْمِكَ ، وَخَشَعَ لِعَظَمَتِكَ مَا دُونَ عَرْشِكَ ، وَانْقَادَ لِلتَّسْلِيمِ كُلُّ خَلْقِكَ . سُبْحَانَكَ لَا تُحَسُّ وَلَا تُجَسُّ وَلَا تُمَسُّ وَلَا تُكَادُ وَلَا تُمَاطُ ( وَلَا تُحَاطُ خ ل ) وَلَا تُنَازَعُ وَلَا تُجَارَى وَلَا تُمَارَى وَلَا تُخَادَعُ وَلَا تُمَازَرُ . سُبْحَانَكَ سَبِيلُكَ جَدُّدٌ وَأَمْرُكَ رَشْدٌ وَأَنْتَ حَتَّى صَيِّمٌ . سُبْحَانَكَ قَوْلُكَ حُكْمٌ ، وَقَضَاؤُكَ حَتْمٌ ، وَإِرَادَتُكَ عَزْمٌ . سُبْحَانَكَ لَا رَادَّ لِمَشِيئَتِكَ ، وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِكَ . سُبْحَانَكَ بَاهِرِ الْآيَاتِ ، فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ ، بَارِيءِ النَّسَمَاتِ .

« لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَدُومُ بِجِدْوَامِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يُوَازِي صِيْنَعَكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا يَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا مَعَ حَمْدِ كُلِّ حَامِدٍ ، وَشُكْرًا يَقْصُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ ، حَمْدًا لَا يَتْبَغِي إِلَّا لَكَ وَلَا يُتَقَرَّبُ بِهِ إِلَّا إِلَيْكَ ، حَمْدًا يُسْتَدَامُ بِهِ الْإَوَّلُ وَيُسْتَدْعَى بِهِ دَوَامُ الْآخِرِ ، حَمْدًا يَنْضَاعُ عَلَى كُزُورِ الْإِزْمِنِ وَيَتَزَايِدُ أَضْعَافًا مُتْرَادِفَةً ، حَمْدًا يَعْجُزُ عَنْ إِحْصَائِهِ الْحَفْظُ وَيَزِيدُ عَلَى مَا أَحْصَيْتَ فِي كِتَابِكَ الْكُتُبُ ، حَمْدًا يُوَازِنُ عَرْشَكَ الْمَجِيدَ وَيُعَادِلُ كُرْسِيِّكَ الرَّفِيعَ ، حَمْدًا يَكْمُلُ لِمَدِيكَ ثَوَابُهُ وَيَسْتَغْرِقُ كُلَّ جِزَاءٍ جِزَاءَهُ ، حَمْدًا ظَاهِرُهُ وَفَقُّ لِبَاطِنِهِ وَبَاطِنُهُ وَفَقُّ لِمَدِيكَ لِمَدِيكَ حَمْدًا لَمْ يَحْمَدَكَ خَلْقٌ مِثْلَهُ وَلَا يَعْرِفُ أَحَدٌ سِوَاكَ

فَضْلُهُ ، حَمْدًا يُعَانُ مِنْ اجْتِهَادِ فِي تَعْدِيدِهِ وَيُؤَيِّدُ مَنْ أَغْرَقَ نَزْعًا فِي تَوْفِيئِهِ ، حَمْدًا يَجْمَعُ مَا خَلَقْتَ مِنَ الْحَمْدِ وَيَنْتَظِمُ مَا أَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ بَعْدِ حَمْدًا لَا حَمْدَ أَقْرَبُ إِلَى قَوْلِكَ مِنْ وَلَا أَحْمَدَ مِمَّنْ يَحْمَدُكَ بِهِ ، حَمْدًا يُوجِبُ بِكَرَمِكَ الْمَزِيدَ بِوُفُورِهِ وَتَصِلُهُ بِمَزِيدِ بَعْدِ مَزِيدٍ طَوْلًا مِنْكَ ، حَمْدًا يَجِبُ لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَيُقَابِلُ عِزَّ جَلَالِكَ .

« رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْمُتَّجِبِ الْمُصْطَفَى الْمُكْرَمِ الْمُقْرَبِ أَفْضَلَ صَلِّ لِمَوَاتِكَ ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ أَيْمًا بَرَكَاتِكَ ، وَتَرَحَّمْ عَلَيْهِ أَيْمًا رَحْمَاتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً زَاكِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَزْكَى مِنْهَا ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً نَامِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً أَنْمَى مِنْهَا ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً رَاضِيَةً لَا تَكُونُ صَلَاةً فَوْقَهَا . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُرْضِيهِ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاهُ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً تُرْضِيكَ وَتَزِيدُ عَلَى رِضَاكَ لَهُ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا تُرْضِي لَهُ إِلَّا بِهَا وَلَا تَرَى غَيْرَهُ لَهَا أَهْلًا . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجَاوِزُ رِضْوَانَكَ ، وَيَتَّصِلُ اتِّصَالُهَا بِبِقَائِكَ ، وَلَا تَنْفَدُ كَمَا لَا تَنْفَدُ كَلِمَاتُكَ رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تَنْتَظِمُ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ ، وَتَشْتَمِلُ عَلَى صَلَوَاتِ عِبَادِكَ مِنْ جَنَّتِكَ وَأَنْسِكَ وَأَهْلِ إِجَابَتِكَ ، وَتَجْتَمِعُ عَلَى صَلَاةٍ كُلِّ مَنْ ذَرَأَتْ وَبَرَأَتْ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةً تُحِيطُ بِكُلِّ صَلَاةٍ سَالَفَهُ وَمُسْتَأْنَفَهُ ، وَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ صَلَاةً مَرْضِيَةً لَكَ وَلِمَنْ دُونِكَ ، وَتُنْشِئُ مَعَ ذَلِكَ صَلَوَاتٍ تُضَاعِفُ مَعَهَا تِلْكَ الصَّلَوَاتِ عِنْدَهَا وَتَزِيدُهَا عَلَى كُرُورِ الْآيَامِ زِيَادَةً فِي تَضَاعِيفِ لَا يُعِيدُهَا غَيْرُكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطَائِبِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِامْرِكِ ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ ، وَخُلَفَاءَكَ

فِي أَرْضِكَ ، وَحُجَّجَكَ عَلَى عِبَادِكَ ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنَسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ وَالْمَسْلَكَ إِلَى جَنَّتِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَاةً تُجْزِلُ لَهُمْ بِهَا مِنْ نَحْلِكَ وَكَرَامَتِكَ ، وَتُكْمِلُ لَهُمُ الْأَشْيَاءَ مِنْ عَطَايَاكَ وَنَوَافِلِكَ ، وَتُوَفِّرُ عَلَيْهِمُ الْحَظَّ مِنْ عَوَائِدِكَ وَفَوَائِدِكَ . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا أَمَدَ فِي أَوَّلِهَا ، وَلَا غَايَةَ لِأَمَدِهَا ، وَلَا نِهَائَةَ لِآخِرِهَا . رَبِّ صَلِّ عَلَيْهِمْ زِينَةَ عَرْشِكَ وَمَادُونَهُ ، وَمِلَايِمَ مَاوَاتِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ ، وَعِيدَدَ أَرْضِكَ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ ، صَلَاةً تُقَرِّبُهُمْ مِنْكَ زُلْفَى وَتَكُونُ لَكَ وَلَهُمْ رِضَى مُنْصَلَةً بِنظَائِرِهِنَّ أَبَدًا .

« اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيَّدْتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ بِإِمَامٍ أَقَمْتَهُ عِلْمًا لِعِبَادِكَ وَمَنَارًا فِي بِلَادِكَ ، بَعْدَ أَنْ وَصَلْتَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ ، وَجَعَلْتَهُ الذَّرِيعَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، وَافْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ وَحَدَرْتَ مَعْصِيَتَهُ ، وَأَمَرْتَ بِإِمْتِثَالِ أَمْرِهِ وَالْإِنْتِهَاءِ عِنْدَ نَهْيِهِ ، وَأَنْ لَا يَتَقَدَّمَهُ مُتَقَدِّمٌ ، وَلَا يَتَأَخَّرَ عَنْهُ مُتَأَخِّرٌ ، فَهُوَ عِصْمَةُ اللَّائِنِينَ ، وَكَهْفُ الْمُؤْمِنِينَ ، وَعُرْوَةُ الْمُتَمَسِّكِينَ وَبِهَاءُ الْعَالَمِينَ . »

« اللَّهُمَّ فَأَوْزِعْ لَوْلِيكَ شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ ، وَأَوْزِعْنَا مِثْلَهُ فِيهِ ، وَآتِهِ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيحًا وَافْتِحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا ، وَأَعِنُهُ بِرُكْنِكَ الْأَعَزِّ ، وَاشْدُدْ أَرْزَهُ ، وَقَوِّ عَضُدَهُ ، وَرَاعِهِ بِعَيْنِكَ وَاحِمِهِ بِحِفْظِكَ ، وَانصُرْهُ بِمَلَائِكَتِكَ ، وَامْدُدْهُ بِجُهْدِكَ الْأَغْلَبِ ، وَأَقِمْ بِهِ كِتَابَكَ وَحُدُودَكَ وَرَائِعَكَ ، وَسُنَّنَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، وَأَحْيِي بِهِ مَا أَمَاتَهُ الظَّالِمُونَ مِنْ مَعَالِمِ دِينِكَ ، وَأَجْلُ بِهِ صَلَاحَ الْجَوْرِ عَنِ طَرِيقِكَ ، وَأَبْنِ بِهِ الضَّرَاءَ مِنْ سَبِيلِكَ وَأَذِلْ بِهِ النَّاكِبِينَ عَنِ صِرَاطِكَ ، وَامْحَقْ بِهِ بُعَاةَ قَصْدِكَ عَوَجًا ، وَأَلِنْ جَانِبَهُ لِأَوْلِيَائِكَ ، وَابْسُطْ يَدَهُ عَلَى أَعْدَائِكَ ، وَهَبْ

لَنَا رَأْفَتُهُ وَرَحْمَتُهُ وَتَعَطُّفُهُ وَتَحَنُّنُهُ وَاجْعَلْنَا لَهُ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ ، وَفِي رِضَاهُ سَاعِينَ ، وَالْإِلَهَ نَصْرَتِهِ وَالْمُدَافِعَةَ عَنْهُ مُكِنِّينَ ، وَالْإِلَهَ  
وَالْإِلَهَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ اللَّهُمَّ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ مُتَقَرِّبِينَ .

« اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى أَوْلِيَائِهِمْ ، الْمُعْتَرِفِينَ بِمَقَامِهِمْ ، الْمُتَّبِعِينَ مَنْهَجَهُمْ ، الْمُقْتَنِينَ آثَارَهُمْ الْمُسْتَمْسِكِينَ بِعُرْوَتِهِمْ الْمُسْتَمْسِكِينَ  
بِوَلَايَتِهِمْ ، الْمُؤْتَمِنِينَ بِإِمَامَتِهِمْ ، الْمُسْلِمِينَ لِأَمْرِهِمْ ، الْمُجْتَهِدِينَ فِي طَاعَتِهِمْ ، الْمُنتَظِرِينَ أَيَّامَهُمْ ، الْمَادِّينَ إِلَيْهِمْ أَعْيُنَهُمْ ، الصَّلَوَاتِ  
الْمُبَارَكَاتِ الزَّكَايَاتِ النَّامِيَاتِ الْغَادِيَاتِ الزَّائِحَاتِ وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَرْوَاحِهِمْ ، وَاجْمَعْ عَلَى التَّقْوَى أَمْرَهُمْ ، وَأَصْلِحْ لَهُ شُؤْنَهُمْ  
وَتُبَّ عَلَيْهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ، وَخَيْرُ الْغَافِرِينَ ، وَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي دَارِ السَّلَامِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ . »

« اللَّهُمَّ هَذَا يَوْمٌ عَرَفَهُ ، يَوْمٌ شَرَّفْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ ، نَشَرْتَ فِيهِ رَحْمَتَكَ ، وَمَنَنْتَ فِيهِ بِعَفْوِكَ وَأَجَزَلْتَ فِيهِ عَظِيمَتَكَ ، وَتَفَضَّلْتَ بِهِ  
عَلَى عِبَادِكَ . اللَّهُمَّ وَأَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَبَعْدَ خَلْقِكَ إِثْبَاهُ ، فَجَعَلْتَهُ مِمَّنْ هَدَيْتَهُ لِإِدِينِكَ ، وَوَقَّفْتَهُ  
لِحَقِّكَ ، وَعَصَيْتَهُ بِحِيلِكَ ، وَأَدَخَلْتَهُ فِي حَزْبِكَ ، وَأَرْشَدْتَهُ لِمُؤَالَهِ أَوْلِيَائِكَ ، وَمُعَادَاهُ أَعْدَائِكَ ، ثُمَّ أَمَرْتَهُ فَلَمْ يَأْتِمِرْ ، وَزَجَرْتَهُ  
فَلَمْ يَنْزَجِرْ ، وَنَهَيْتَهُ عَنِ مَعْصِيَتِكَ فَخَالَفَ أَمْرَكَ إِلَى نَهْيِكَ ، لَامُعَانَدَةً لَكَ وَلَا اسْتِكْبَاراً عَلَيْكَ ، بَلْ دَعَاهُ هَوَاهُ إِلَى مَا زَيَّلْتَهُ وَإِلَى  
مَا حَذَرْتَهُ ، وَأَعَانَهُ عَلَى ذَلِكَ عَدُوَّكَ وَعَدُوَّهُ ، فَأَقْدَمَ عَلَيْهِ عَارِفاً بِوَعِيدِكَ رَاجِياً لِعَفْوِكَ وَائْتِفاً بِتَجَاوُزِكَ ، وَكَانَ أَحَقَّ عِبَادِكَ مَعَ  
مَا مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَفْعَلَ ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ صَاحِراً ذَلِيلاً خَاضِعاً خَاشِعاً خَائِفاً مُعْتَرِفاً بِعَظِيمِ مِنَ الذُّنُوبِ تَحَمَّلْتَهُ وَجَلِيلِ مِنَ  
الْخَطَايَا اجْتَرَمْتَهُ ، مُسْتَجِيراً بِصَفْحِكَ ، لَا إِذْناً بِرَحْمَتِكَ ، مُوقِناً أَنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ مُجِيرٌ ، وَلَا

يَمْنَعُنِي مِنْكَ مَانِعٌ ، فَعِيدَ عَلَيَّ بِمَا تَعُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَسْرَفٍ ( اِقْتَرَفَ خ ل ) مِنْ تَعَمُّدِكَ ، وَجِيدَ عَلَيَّ بِمَا تَجُودُ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَلْقَى بِيَدِهِ إِلَيْكَ مِنْ عَفْوِكَ ، وَآمَنَ عَلَيَّ بِمَا لَا يَتَعَاظُمُكَ أَنْ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ مِنْ أَمْلَاكَ مِنْ غُفْرَانِكَ ، وَاجْعَلْ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ نَصِيبًا أَنَالُ بِهِ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ ، وَلَا تَرُدَّنِي صِفْرًا مِمَّا يَنْقَلِبُ بِهِ الْمُتَعَبِّدُونَ لَكَ مِنْ عِبَادِكَ ، وَإِنِّي وَإِنْ لَمْ أُقَدِّمَ مَا قَدَّمُوهُ مِنَ الصَّالِحَاتِ فَقَدْ قَدَّمْتُ تَوْحِيدَكَ وَنَفَى الْأَضْدَادِ وَالْإِنْدَادِ وَالْأَشْبَاهِ عَنْكَ ، وَأَتَيْتُكَ مِنَ الْأَبْوَابِ الَّتِي أَمَرْتَ أَنْ تُؤْتَى مِنْهَا ، وَتَقَرَّبْتُ إِلَيْكَ بِمَا لَا يَقْرُبُ أَحَدٌ مِنْكَ إِلَّا بِالتَّقَرُّبِ بِهِ ، ثُمَّ أَتَبَعْتُ ذَلِكَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَالتَّذَلُّلِ وَالِاسْتِكَانَةِ لَكَ وَحَسَنِ الظَّنِّ بِكَ وَالسَّقَمِ بِمَا عِنْدَكَ ، وَشَفَعْتُهُ بِرَجَائِكَ الَّذِي قَلَّ مَا يَخِيبُ عَلَيْهِ رَاجِيكَ ، وَسَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الدَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ ، وَمَعَ ذَلِكَ خِيفَهُ وَتَضَرُّعًا وَتَعُودًا وَتَلَوُّدًا لَا مُسْتَطِيلًا بِتَكْبِيرِ الْمُتَكَبِّرِينَ ، وَلَا مُتَعَالِيًا بِدَالِهِ الْمُطِيعِينَ ، وَلَا مُسْتَطِيلًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ ، وَأَنَا بَعْدُ أَهْلُ الْأَقْلِينَ ، وَأَذَلُّ الْأَذَلِّينَ ، وَمِثْلُ الدَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا . فَيَأْمَنُ لَمْ يُعَاجِلِ الْمُسِيئِينَ ، وَلَا يَنْدَهُ الْمُتَرْفِينَ ، وَيَأْمَنُ يَمُنُّ بِأَقَالِهِ الْعَاثِرِينَ ، وَيَتَفَضَّلُ بِأَنْظَارِ الْخَاطِئِينَ ، أَنَا الْمُسِيءُ الْمُعْتَرِفُ ، الْمَذْنِبُ الْمُقْتَرِفُ ، الْخَاطِئُ الْعَاثِرُ ، أَنَا الَّذِي أَقَدَّمَ عَلَيْكَ مُجْتَرِنًا ، أَنَا الَّذِي هَابَ عِبَادَكَ وَأَمْنِكَ ، أَنَا الَّذِي لَمْ يَرْهَبْ سَيْطُونَكَ ، وَلَمْ يَخَفْ بِأَسِيكَ ، أَنَا الْجَانِي عَلَى نَفْسِهِ ، أَنَا الْمُرْتَهَنُ بِبَلِيَّتِهِ ، أَنَا الْقَلِيلُ الْحَيَاءِ ، أَنَا الطَّوِيلُ الْعِنَاءِ . »

« بِحَقِّ مَنْ انْتَجَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ ، وَبِمَنْ أَصْطَفَيْتَهُ لِنَفْسِكَ ، بِحَقِّ مَنْ أَخْتَرْتَ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، وَمَنْ أَجْتَبَيْتَ

لِشَأْنِكَ ، بِحَقِّ مَنْ وَصَلَتْ طَاعَتُهُ بِطَاعَتِكَ ، وَمَنْ جَعَلَتْ مَعْصِيَتُهُ كَمَعْصِيَتِكَ ، بِحَقِّ مَنْ قَرَنْتَ مُوَالَاةَهُ بِمُوَالَاةِكَ ، وَمَنْ نُطِتَ  
مُعَادَاةَهُ بِمُعَادَاةِكَ ، تَغَمَّدَنِي فِي يَوْمِي هَذَا بِمَا تَتَغَمَّدُ بِهِ مَنْ حَارَّ إِلَيْكَ مُتَنَصِّلاً ، وَعَاذَ بِاسْتِغْفَارِكَ تَائِباً ، وَتَوَلَّيْتَنِي بِمَا تَتَوَلَّى بِهِ  
أَهْلَ طَاعَتِكَ وَالزُّلْفَى لِمَدْيِكَ وَالْمَكَانَةَ مِنْكَ ، وَتَوَخَّجْتَنِي بِمَا تَتَوَخَّجُ بِهِ مَنْ وَفَى بِعَهْدِكَ ، وَأَتَعَبَ نَفْسَهُ فِي ذَاتِكَ ، وَأَجْهَدَهَا فِي  
مَرْضَاتِكَ ، وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِتَفْرِيطِي فِي جَنْبِكَ ، وَتَعَدَّى طُورِي فِي حُدُودِكَ ، وَمُجَاوَزِهِ أَحْكَامِكَ ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي بِإِمْلَائِكَ لِي  
إِسْتِدْرَاجَ مَنْ مَنَعَنِي خَيْرَ مَا عِنْدَهُ وَلَعَمَّ يَشْرُوكُكَ فِي حُلُولِ نِعْمَتِهِ بِي ، وَتَبَهَّنِي مَنِ رَقَدَهُ الْغَافِلِينَ ، وَسَتَنَهُ الْمُسْرِفِينَ ، وَنَعَسِيهِ  
الْمَخْذُولِينَ ، وَخَذَ بَقَلْبِي إِلَى مَا اسْتَعْمَلْتَ بِهِ الْهَانِتِينَ ، وَاسْتَعْبَدْتَ بِهِ الْمُتَعَبِّدِينَ ، وَاسْتَنْقَذْتَ بِهِ الْمُتَهَاوِنِينَ ، وَأَعَدْتَنِي مِمَّا يُبَاعِدُنِي  
عَنْكَ وَيَحُولُ بَيْنِي وَبَيْنَ حَظِّي مِنْكَ ، وَيَصُدُّنِي عَمَّا أَحَاوِلُ لَدَيْكَ ، وَسَهَّلَ لِي مَسْلَكَ الْخَيْرَاتِ إِلَيْكَ ، وَالْمُسَابِقَةَ إِلَيْهَا مِنْ حَيْثُ  
أَمَرْتَ وَالْمُشَاحَةَ فِيهَا عَلَى مَا أَرَدْتَ ، وَلَا تَمَحَقْنِي فِيمَنْ تَمَحَقُ مِنَ الْمُسْتَخْفِينَ بِمَا أَوْعَدْتَ ، وَلَا تُهْلِكْنِي مَعَ مَنْ تُهْلِكُ مِنَ  
الْمُتَعَرِّضِينَ لِمَقْتِكَ ، وَلَا تُتَبِّرْنِي فِيمَنْ تُتَبِّرُ مِنَ الْمُنْحَرِفِينَ عَن سَبِيلِكَ وَنَجِّنِي مِنَ غَمْرَاتِ الْفِتْنَةِ ، وَخَلِّصْنِي مِنَ لَهَوَاتِ الْبَلْوَى  
وَأَجِرْنِي مِنَ أَهْلِ الْإِمْلَاءِ ، وَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ عَدُوِّ يَضِيئُنِي ، وَهَوَى يُوبِقُنِي ، وَمَنْقَصَهُ تَرْهَقُنِي ، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي إِعْرَاضَ مَنْ لَا تَرْضَى  
عَنْهُ بَعْدَ غَضَبِكَ ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْإِمْلِ فِيكَ ، فَيَغْلِبَ عَلَيَّ الْقُنُوطُ مِنْ رَحْمَتِكَ ، وَلَا تَمْتَحِنِّي بِمَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ ، فَتَبْهَطُنِي مِمَّا  
تُحْمِلُنِيهِ مِنْ فَضْلِ مَحَبَّتِكَ ، وَلَا تُرْسِلْنِي مِنْ يَدِكَ إِسْرَافاً مِنْ لَاحِيزٍ فِيهِ وَلَا حَاجَةَ بِكَ إِلَيْهِ ،

وَلَا- إِنَابَهُ لَمَهُ ، وَلَا- تَرَمَ بِي رَمَى مَن سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رِعَايَتِكَ ، وَمَنِ اشْتَمَلَ عَلَيْهِ الْخِزْيُ مِنْ عِنْدِكَ ، يَلِ خُذْ بِيَدِي مِنْ سَقَطِهِ  
الْمُرْتَدِّينَ ، وَوَهَلَهُ الْمُتَعَسِّفِينَ وَزَلَّهُ الْمَغْرُورِينَ ، وَوَرَطَهُ الْهَالِكِينَ ، وَعَافِنِي مِمَّا ابْتَلَيْتَ بِهِ طَبَقَاتِ عَيْدِكَ وَإِمَائِكَ ، وَبَلَّغْنِي مَبَالِغَ  
مَنْ عُنِيَتْ بِهِ ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَرَضِيَتْ عَنْهُ ، فَأَعَشْتَهُ حَمِيداً وَتَوَفَّيْتَهُ سَعِيداً ، وَطَوَّقَنِي طَوْقَ الْأَقْلَاعِ عَمَّا يُحِبُّ الْحَسَنَاتِ وَيَذْهَبُ  
بِالْبُرَكَاتِ ، وَأَشْعَرَ قَلْبِي الْإِزْدِجَارَ عَنْ قَبَائِحِ السَّيِّئَاتِ ، وَفَوَاضِحِ الْحُوبَاتِ ، وَلَا تَغْلِنِي بِمَا لَا أُدْرِكُهُ إِلَّا بِكَ عَمَّا لَا يُرِضُنِيكَ عَنِّي  
غَيْرُهُ ، وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دُنْيَتِهِ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ ، وَتَصَيِّدُ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ ، وَتُذْهِلُّ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ ، وَزَيْنُّ لِي  
التَّفَرُّدِ بِمُنَاجَاةِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، وَهَبْ لِي عِصْمَةً تُدِينُنِي مِنْ خَشْيَتِكَ ، وَتَقْطَعُنِي عَنِ رُكُوبِ مَحَارِمِكَ ، وَتَفُكَّنِي مِنْ أَسْرِ  
الْعِظَائِمِ ، وَهَبْ لِي التَّطَهِيرَ مِنْ دَنَسِ الْعِصْيَانِ ، وَأَذْهِبْ عَنِّي دَرَنَ الْخَطَايَا ، وَسَيِّئِ بِلْنِي بِسَرِّبَالِ عَافِيَتِكَ ، وَرَدِّدْنِي رِذَاءَ مُعَافَاةِكَ ،  
وَجَلِّلْنِي سَوَابِغَ نِعْمَائِكَ ، وَظَاهِرُ لَدَيَّ فَضْلِكَ ، وَأَيِّدْنِي بِتَوْفِيقِكَ وَتَسْدِيدِكَ ، وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحِ النَّيِّهِ وَمَرْضِي الْقَوْلِ وَمُسْتَحْسَنِ  
الْعَمَلِ ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى حَوْلِي وَقُوَّتِي دُونَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ ، وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ تَبْعُنِي لِلْقَائِكَ ، وَلَا تَفْضُخْنِي بَيْنَ يَدَيِ أَوْلِيَائِكَ ،  
وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ ، وَلَا تُذْهِبْ عَنِّي شُكْرَكَ ، بَلْ أَلْزِمْنِيهِ فِي أَحْوَالِ السَّهْوِ عِنْدَ غَفَلَاتِ الْجَاهِلِينَ لِأَلَائِكَ ، وَأَوْزِعْنِي أَنْ أَثْنِي بِمَا  
أَوْلَيْتَنِيهِ ، وَأَعْتَرِفَ بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيَّ ، وَاجْعَلْ رَغْبَتِي إِلَيْكَ فَوْقَ رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ ، وَحَمْدِي إِيَّاكَ فَوْقَ حَمْدِ الْحَامِدِينَ ، وَلَا تَخْذُلْنِي  
عِنْدَ فَاقَتِي إِلَيْكَ ، وَلَا تُهْلِكْنِي بِمَا أَسَدَيْتَهُ إِلَيْكَ ، وَلَا تَجْبُهْنِي بِمَا



جَبَّهْتَ بِهِ الْمُعَانِدِينَ لَكَ ، فَإِنِّي لَمَعَكَ مُسَلِّمٌ ، أَعْلَمُ أَنَّ الْحُجَّةَ لَكَ وَأَنَّكَ أَوْلَى بِالْفَضْلِ وَأَعْوَدُ بِالْإِحْسَانِ وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ  
الْمَغْفِرَةِ ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَى مِنْكَ بِأَنْ تُعَاقِبَ ، وَأَنَّكَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْكَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ ، فَأَحْيِنِي حَيَاةً طَيِّبَةً تَنْتَظِمُ بِمَا أُرِيدُ ،  
وَتَبْلُغُ بِي مَا أَحْبَبْتُ مِنْ حَيْثُ لَا آتِي مَا تَكْرَهُ ، وَلَا أَرْتَكِبُ مَا نَهَيْتَ عَنْهُ ، وَأَمْتِنِي مَيْتَهُ مَنْ يَسْعَى نُورُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَعَنْ يَمِينِهِ ، وَذَلَّلْنِي  
بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَأَعَزَّنِي عِنْدَ خَلْقِكَ ، وَضَعْنِي إِذَا خَلَوْتُ بِكَ ، وَأَرْفَعْنِي بَيْنَ عِبَادِكَ ، وَأَغْنِنِي عَمَّنْ هُوَ غَنَى عَنِّي ، وَزِدْنِي إِلَيْكَ  
فَاقَهُ وَفَقْرًا ، وَأَعِزَّنِي مِنَ شِمَاتِهِ الْأَعْدَاءِ ، وَمِنْ حُلُولِ الْبَلَاءِ ، وَمِنَ الذُّلِّ وَالْعَنَاءِ ، وَتَغَمَّدْنِي فِيمَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي بِمَا يَتَعَمَّدُ بِهِ  
الْقَادِرُ عَلَى الْبَطْشِ لَوْلَا - حِلْمُهُ ، وَالْإِخْتِذُ عَلَى الْجَرِيرَةِ لَوْلَا - أَنَاتُهُ ، وَإِذَا أَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً أَوْ سُوءًا فَجَنِّبْنِي مِنْهَا لَوْذَا بِعَمَلِكَ ، وَإِذَا لَمْ  
تُقِمْنِي مَقَامَ فَضِيحَةٍ فِي دُنْيَاكَ فَلَا تُقِمْنِي مِثْلَهُ فِي آخِرَتِكَ ، وَاشْفَعْ لِي أَوْائِلَ مَنِّكَ بِأَوَاخِرِهَا ، وَقَدِّمِ فَوَائِدِكَ بِحَوَادِثِهَا ، وَلَا  
تَمُدِّدْ لِي مَدًّا يَقْسُو مَعَهُ قَلْبِي ، وَلَا تَقْرَعْنِي قَارِعَةً يَذْهَبُ لَهَا بَهَائِي ، وَلَا تَسِمْ نِي خَسِيسَةً يَصْغُرُ لَهَا قَدْرِي ، وَلَا نَقِصَةً يُجْهَلُ مِنْ  
أَجْلِهَا مَكَانِي ، وَلَا تَزْعُنِي رَوْعَهُ أَيْلُسُ بِهَا ، وَلَا خَيْفَهُ أَوْجَسُ دُونَهَا ، إِجْعَلْ هَيْبَتِي فِي وَعِيدِكَ ، وَحَذْرِي مِنْ إِعْذَارِكَ وَإِنْذَارِكَ  
، وَرَهْبَتِي ، عِنْدَ تِلَاوَةِ آيَاتِكَ ، وَاعْمُرْ لِي لَيْلِي بِإِقْضَايِ فِيهِ لِعِبَادَتِكَ ، وَتَفَرَّدِي بِالتَّهَجُّدِ لَكَ ، وَتَجَرَّدِي بِسَيِّئِي كُنِي إِلَيْكَ ، وَانزَالِ  
حَوَائِجِي بِكَ ، وَمُنَازَلَتِي إِيَّاكَ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنْ نَارِكَ ، وَاجَارَتِي مِمَّا فِيهِ سَاهِيًا حَتَّى حِينٍ ، وَلَا

تَجْعَلْنِي عِظَةً لِمَنْ أَعْيَظَ ، وَلَا نِكَالًا لِمَنْ اعْتَبَرَ ، وَلَا فِتْنَةً لِمَنْ نَظَرَ ، وَلَا تَمَكُّزَ بِي فِيمَنْ تَمَكَّرُ بِهِ ، وَلَا تَسْتَبِيدَ بِي غَيْرِي ، وَلَا تُغَيِّرَ لِي إِسْمًا ، وَلَا تُبَدِّلَ لِي جِسْمًا ، وَلَا تَتَّخِذْنِي هُزُوءًا لِخَلْقِكَ ، وَلَا سِيْخْرِيًّا لَكَ ، وَلَا مُتَّبِعًا إِلَّا لِمَرْضَاتِكَ ، وَلَا مُمْتَهَنًا إِلَّا بِالِانْتِقَامِ لَكَ ، وَأَوْجِدْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ ، وَحِلَاوَةَ رَحْمَتِكَ ، وَرَوْحَكَ وَرِيحَانِكَ ، وَجَنَّةَ نَعِيمِكَ ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ الْفَرَاغِ لِمَا تُحِبُّ بِسَعَةِ مِنْ سَعَتِكَ ، وَالِاجْتِهَادَ فِيمَا يُزِلُّ لِمَدِيكَ وَعِنْدَكَ ، وَأَتِحْفِنِي بِتُحْفِهِ مِنْ تُحْفَاتِكَ ، وَاجْعَلْ تِجَارَتِي رَابِحَةً ، وَكَرَّتِي غَيْرَ خَاسِرَةٍ ، وَأَخِفْنِي مَقَامِيكَ ، وَشَوْقِي لِقَاءِكَ ، وَتُبْ عَلَيَّ تَوْبَةً نَصُوحًا ، وَلَا- تُبْقِ مَعَهَا ذُنُوبًا صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً ، وَلَا تَذَرْ مَعَهَا عَلَانِيَةً وَلَا سَرِيرَةً ، وَانزِعِ الْغِلَّ مِنْ صَدْرِي لِلْمُؤْمِنِينَ ، وَاعْطِفْ بِقَلْبِي عَلَى الْخَاشِعِينَ ، وَكُنْ لِي كَمَا تَكُونُ لِلصَّالِحِينَ ، وَحَلِّنِي حَلِيَّةَ الْمُتَّقِينَ ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْغَابِرِينَ ، وَذِكْرًا نَامِيًّا فِي الْآخِرِينَ ، وَوَافٍ بِي عَرَصَةَ الْأَوَّلِينَ ، وَتَمِّمْ سُبُوحَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَظَاهِرَ كَرَامَتِهَا لِمَدِي ، وَأَمَلًا- مِنْ فَوَائِدِكَ يَدِي ، وَسُقْ كَرَائِمَ مَوَاهِبِكَ إِلَيَّ ، وَجَاوِرِ بِي الْأَطْيَبِينَ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فِي الْجَنَانِ الَّتِي زَيَّنْتَهَا لِاصْفِيَائِكَ ، وَجَلِّلْنِي شَرَائِفَ نِحْلِكَ فِي الْمَقَامَاتِ الْمُعَدَّةِ لِاجْتِبَائِكَ ، وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ مَقِيلًا آوِي إِلَيْهِ مُطْمَئِنًّا وَمَثَابَةً أَبْتَوُّهَا وَأَقْرُبُ عَيْنًا ، وَلَا تُقَابِسْنِي بِعِظَمَاتِ الْجَرَائِرِ ، وَلَا تُهْلِكْنِي يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ، وَأَزِلْ عَنِّي كُلَّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ ، وَاجْعَلْ لِي فِي الْحَقِّ طَرِيقًا مِنْ كُلِّ رَحْمَةٍ ، وَأَجْزِلْ لِي قِسْمَ الْمَوَاهِبِ مِنْ نَوَالِكَ ، وَوَفِّرْ عَلَيَّ حُظُوظَ الْإِحْسَانِ مِنْ إِفْضَالِكَ ، وَاجْعَلْ قَلْبِي وَاثِقًا بِمَا

عِنْدَكَ ، وَهَمِّي مُسْتَفْرَغًا لِمَا هُوَ لَكَ ، وَاسْتَعْمَلَنِي بِمَا تَسْتَعْمَلُ بِهِ خَالِصَتَكَ ، وَأَشْرِبْ قَلْبِي عِنْدَ ذُهُولِ الْعُقُولِ طَاعَتَكَ ، وَاجْمَعْ لِي الْغِنَى وَالْعَفَافَ ، وَالِدَّعَةَ وَالْمُعَافَاةَ ، وَالصَّحَّةَ وَالسَّعَةَ ، وَالطَّمَأْنِينَةَ وَالْعَافِيَةَ ، وَلَا تُحِبِّطْ حَسَنَاتِي بِمَا يَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَلَا خَلَوَاتِي بِمَا يَعْزِضُ لِي مِنْ نَزَعَاتِ فِتْنَتِكَ وَصُنْ وَجْهِي عَنِ الطَّلَبِ إِلَى أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ، وَذُبْنِي عَنِ الْتِمَاسِ مَا عِنْدَ الْفَاسِقِينَ ، وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيرًا ، وَلَا لَهُمْ عَلَى مَحْوِ كِتَابِكَ يَدًا وَنَصِيرًا ، وَحُطْنِي مِنْ حَيْثُ لَا أَعْلَمُ حِيَاطَةَ تَقِينِي بِهَا ، وَأَفْتَحْ لِي أَبْوَابَ تَوْبَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَرَأْفَتِكَ وَرِزْقِكَ الْوَاسِعِ إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاعِبِينَ وَأَتِمِّمْ لِي اِنْعَامَكَ أَنْكَ خَيْرُ الْمُنْعَمِينَ ، وَجْعَلْ بَاقِيَ عُمْرِي فِي الْحَيِّ وَالْعُمْرَةِ ابْتِغَاءً وَجْهَكَ يَارَبَّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ أَبَدَ الْأَبْدِينَ . «

### قسمت چهارم

- ويستحب أيضاً زياره الحسين عليه السلام ، وإتماماً للفائدة أدرجنا هذه الزيارة للحسين عليه السلام ليتمكن الواقف بعرفه أن يزوره ولو على البعد ، فإليك نص الزيارة :

بسم الله الرحمن الرحيم

« اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ

بِنِ عَلِيٍّ ، السَّلَامُ عَلَى الْخَلْفِ الصَّالِحِ الْمُتَنَطِّرِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، وَابْنُ عَدِيْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ ، الْمُوَالِي لَوْلِيَّتِكَ وَالْمُعَادِي لِعَدُوِّكَ ، اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِقَضِيْدِكَ ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ ، وَخَصَّنِي بِزِيَارَتِكَ وَسَهَّلَ لِي قَضَاكَ .

ثم قل : « السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ نُوحِ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَاوَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيْجَةَ الْكُبْرَى ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوَتَرَ الْمُؤْتُوْرَ . أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِيْنُ ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ ، يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَاءُهُ وَرُسُلِيْهِ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ ، وَبِأَيَابِكُمْ مُؤَقِّنٌ بِشَرَائِعِ دِيْنِي وَخَوَاتِيْمِ عَمَلِي ، وَمُنْقَلَبِي إِلَى رَبِّي ، فَصَلِّمُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى شَاهِدِكُمْ وَعَلَى غَائِبِكُمْ وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَاتَمِ النَّبِيِّنَ ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، وَابْنَ إِمَامِ الْمُتَّقِيْنَ ، وَابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِيْنَ إِلَى جَنَّاتِ النَّعِيْمِ ، وَكَيْفَ لَا تُكُونُ كَذَلِكَ وَأَنْتَ بَابُ الْهُدَى ، وَإِمَامُ التَّقَى ، وَالْعُرْوَةُ

الْوَثْقَى ، وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا ، وَخَامِسُ أَصْحَابِ (أَهْلِ) الْكِسَاءِ ، غَدَّتْكَ يَدُ الرَّحْمَةِ ، وَرُضِعَتْ مِنْ ثَدْيِ الْإِيمَانِ ، وَرَبِّيتَ فِي حِجْرِ الْإِسْلَامِ ، فَالْنَفْسُ غَيْرُ رَاضِيَةٍ بِفِرَاقِكَ وَلَا شَاكِهِ فِي حَيَاتِكَ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَبْرِيحَ الْعَبْرَةِ السَّاكِبَةِ ، وَقَرِينِ الْمُصِيبَةِ الرَّائِبَةِ ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ ، وَأَنْتَهَكْتَ مِنْكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ ، فَقُتِلْتَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ مَقْهُورًا ، وَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ بِكَ مَوْتُورًا ، وَأَصْبَحَ كِتَابُ اللَّهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُورًا ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ وَأُمَّكَ وَأَخِيكَ ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ مِنْ بَنِيكَ ، وَعَلَى الْمُسْتَشْهِدِينَ مَعِكَ ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْحَافِينَ بِقَبْرِكَ وَالشَّاهِدِينَ لِرُؤُوسِكَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْقَبُولِ عَلَى دَعَايِ شِعْتِكَ ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

وصل ركعتين إقرأ فيها ماتشاء ، وإذا فرغت فقل :

« اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ ، لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرُّكْعَتَانِ هَيْدِيَهُ مَنِي إِلَى مُوَلَايَ وَسَيِّدِي وَإِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي وَاجْزِنِي عَلَى ذَلِكَ أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . »

ثم زر ولده على بن الحسين الاكبر عليه السلام وقل :

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ نَبِيِّ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ ابْنُ الشَّهِيدِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتَكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ ظَلَمْتَكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ سَمِعْتَ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ ، لَقَدْ عَظَمْتَ الْمُصِيبَةَ ، وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِّ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

ثم زر شهداء كربلاء وقل :

« السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحْبَاءَهُ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ اللَّهِ وَأَوْدَاءَهُ . السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ صَيِّمَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ ، يَا أَبِي أَنْتُمْ وَأُمَّي طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ ، وَفَرُتُمْ وَاللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ، يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجَنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أَوْلِيَاكَ رَفِيقًا ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ .

ثم زر أبا الفضل العباس عليه السلام وقل :

« السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا الْفَضْلِ الْعَبَّاسَ ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَوَّلِ الْقَوْمِ إِسْلَامًا ، وَأَقْدَمِهِمْ إِيمَانًا ، وَأَقْوَمِهِمْ بِدِينِ اللَّهِ ، وَأَخْوَطِهِمْ عَلَى الْإِسْلَامِ ، أَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَاخِيكَ فَنِعْمَ الْإِخُ الْمُوَاسِي ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ قَتَلْتِكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ ظَلَمْتِكَ ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّهُ اسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحَارِمَ ، وَأَنْتَهَكْتَ فِي قَتْلِكَ حُرْمَةَ الْإِسْلَامِ ، فَنِعْمَ الْإِخُ الصِّابِرُ الْمُجَاهِدُ الْمُحَامِي النَّاصِرُ وَالْإِخُ الدَّافِعُ عَنْ أَخِيهِ الْمُجِيبُ إِلَى طَاعَةِ رَبِّهِ الرَّاعِبُ فِيمَا زَهَّدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوَابِ الْجَزِيلِ وَالثَّنَاءِ الْجَمِيلِ ، وَالْحَقَّكَ اللَّهُ بِدَرَجَةِ آبَائِكَ فِي دَارِ النَّعِيمِ ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ .

ثم قل :

« اللَّهُمَّ لَكَ تَعَرَّضْتُ وَلِزِيَارَةِ أَوْلِيَائِكَ قَصَدْتُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِكَ وَرَجَاءً لِمَغْفِرَتِكَ

وَجَزِيلِ إِحْسَانِكَ ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دَارًا ، وَعَيْشِي بِهِمْ قَارًا ، وَزِيَارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً ، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا ، وَأَقْلِبْنِي بِهِمْ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا دُعَائِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ زُؤَارِهِ وَالْقَاصِدِينَ إِلَيْهِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

### پی نوشت ها

- ۱- فعلاً در آن محل بدیوار علامت گذارده اند ، مابین علامتین را هروله کند .
- ۲- در صورتیکه قبل از روز هفتم بداند که در روز قربان مقدور او نیست قربان کردن
- ۳- ممکن است قبلاً از فقیر وکالت بگیرد که بعد از ذبح ثلث آنرا بفقیر اهداء نماید .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری



۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

